



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www.Ghaemiyeh.com  
www.Ghaemiyeh.org  
www.Ghaemiyeh.net  
www.Ghaemiyeh.ir

# کلمہ بخت

آسمان شناسی، قلب، امدادیں و شامیان  
در ایام حج

محقق: عبدالرشید عثمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گل بی خار - آسیب شناسی کتب اهدایی وهابیان در ایام حج

نویسنده:

عدنان درخشان

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۹	گل بی‌خار: آسیب‌شناسی کتب اهدایی وهابیان در ایام حج
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۶	به بهانه‌ی مقدمه
۲۱	مقدمه
۲۵	فصل اول
۲۵	توحید
۲۵	خدای جسمانی، شایسته‌ی پرستش نیست
۲۵	معرفی خدا در کنار خانه‌ی خدا
۲۵	خدایی انسان نما
۲۶	جسم انگاری خداوند
۲۹	اشاعه‌ی شرک در ذات، به زبان‌های گوناگون
۳۰	زیر پرچم توحید متحد شویم
۳۱	خلاصه‌ی سخن
۳۵	فصل دوم
۳۵	نبوت
۳۵	زیارت پیامبر (ص)
۳۵	بدعت یا زیباترین واقعیت
۳۶	زیارت قبر شریف نبوی توسط ابویوب انصاری
۳۸	پیامبر رحمتی که نباید از او چیزی خواست
۳۸	اختلاف نظر اهل تسنن با وهابیان در موضوع زیارت
۴۲	حکایتی زیبا از زیارت بلال حبشی

- پیشینه‌ی زیارت نزد مؤسس فکری فرقه‌ی وهابی ..... ۴۳
- مخالفت سنیان با ابن تیمیه در ماجرای زیارت، به زندانی شدن وی می‌انجامد ..... ۴۴
- مخالفت سنیان با ابن تیمیه و اعتقاداتش ..... ۴۵
- خلاصه‌ی سخن ..... ۴۶
- تحریف متنی تاریخی در موضوع زیارت، حربه‌ای قدیمی برای دوری مسلمانان از پیامبر ..... ۴۷
- نتیجه‌ای عبرت‌انگیز در قالب داستانی شگرف ..... ۵۱
- معجزه‌ای از قبر شریف نبوی (ص) ..... ۵۱
- فصل سوم ..... ۵۵
- میراث نبوی ..... ۵۵
- میراث نبوی، آماج تیرهای بداندیشی ..... ۵۵
- بدعت‌انگاری حقایق دین ..... ۵۵
- بدعت‌انگاری در حکمی فقهی و مخالفت با شیعه و سنی ..... ۵۶
- سابقه‌ای طولانی در بدعت‌انگاری: ساعت، تلفن، دوچرخه، ... در نظر وهابیان بدعت بوده است! ..... ۵۸
- و باز هم ... بدعت‌انگاری و مخالفت با اکثر مسلمانان در حکم فقهی دیگر: قسم به غیر خدا ..... ۵۹
- میزان صداقت وهابیان در اجماعی بودن برخی احکام ..... ۵۹
- فصل چهارم ..... ۶۵
- مهدویت و تحریف حقایق ..... ۶۵
- مهدی موعود و منابع معتبر اهل تسنن ..... ۶۵
- مهدویت و صحیح بخاری ..... ۶۶
- مهدویت و صحیح مسلم ..... ۶۶
- شارحان صحیح بخاری و مسلم، از مهدی (ع) می‌گویند ..... ۶۷
- مهدویت در سنن «۲» ابن‌ماجه، ابوداود و ترمذی ..... ۶۸
- مهدی موعود (ع) و وهابیان ..... ۶۹
- انکار وجود حضرت مهدی (ع) و اتهام به آن وجود مقدس در کتاب‌های وهابیان ..... ۷۰

۷۲	حقیقت ماجرا در ادعای واهی تغییر قبله
۷۴	خلاصه‌ی سخن
۷۷	فصل پنجم
۷۷	مسلمانان
۷۷	جان مسلمانان محترم است
۷۸	نمونه‌هایی از عطفوت اسلامی
۷۸	رأفت پیامبر اکرم (ص) بر قاتلان خویش
۸۰	باران رحمت حسینی (ع) بر حرّ بن یزید ریاحی
۸۱	وهابیان، مکه و مدینه را بستر تفرقه کرده‌اند
۸۲	برچسبی به نام شرک
۸۴	نتایج سخنان افسارگسیخته:
۸۴	خشونت در پی خشونت
۸۷	تحریف معنای اجماع مسلمانان و دروغی بزرگ برای مباح کردن خون مسلمانان
۸۹	زیارت و شفاعت:
۸۹	اختلاف دیدگاه اهل تسنن با وهابیان
۹۲	خلاصه‌ی سخن
۹۲	تحریف معنای «تمامی مسلمانان»
۹۶	شیعه ستیزی، چرا؟
۹۷	شیعه را همانند یهود و نصارا دانستن
۹۷	کافر خواندن شیعیان
۹۹	اتهام‌های خنده‌آور به شیعه
۱۰۰	اتهامی خنده‌آور از ابن تیمیه
۱۰۱	اتهام‌های فکاهی و ترفندهای امروزی
۱۰۳	هر دم از این باغ بری می‌رسد

- ۱۰۶ ..... سخن آخر: دردِ دلی با مسلمانان
- ۱۰۷ ..... کتب اهل تسنن در مخالفت با وهابیان
- ۱۱۱ ..... درباره مرکز



## گل بی‌خار: آسیب‌شناسی کتب اهدایی وهابیان در ایام حج

### مشخصات کتاب

- سرشناسه: درخشان، عدنان، ۱۳۵۲ -
- عنوان و نام پدیدآور: گل بی‌خار: آسیب‌شناسی کتب اهدایی وهابیان در ایام حج / عدنان درخشان.
- مشخصات نشر: تهران: مشعر، ۱۳۸۷.
- مشخصات ظاهری: ۱۰۲ ص.
- شابک: ۶۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۱۰۸-۳.
- وضعیت فهرست نویسی: فیپا
- یادداشت: کتاب حاضر شامل فهرست چهل عنوان از کتب اهل تسنن در مخالفت با وهابیان است.
- یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.
- عنوان دیگر: آسیب‌شناسی کتب اهدایی وهابیان در ایام حج.
- موضوع: وهابیه -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها.
- موضوع: وهابیه -- عقاید.
- موضوع: زیارت -- نظر وهابیه.
- رده بندی کنگره: BP۲۰۷/۶۲/د۴گ ۱۳۸۷ ۸
- رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۱۶
- شماره کتابشناسی ملی: ۱۲۲۲۴۴۵
- ص: ۱

### اشاره













ص: ۸

**به بهانه‌ی مقدّمه**



ص: ۹

سر در جیب تفکر فرو برده بودم و به آینده‌ای نه چندان دور فکر می‌کردم؛ آینده‌ای که در آن صدق و راستی، جای‌گزین هرگونه دروغ و کثی می‌شود و حقایق و واقعیت‌ها در هاله‌ای از نور بر همگان هویدا می‌گردد. کاش آن موعود الهی سر برسد و بر تمامی این ناراستی‌ها خطّ بطلان بکشد. دردمندانه به انتظار نشستهم و آزمندانه او را می‌جویم تا بیاید و این دنیای پُرتزویر را دگرگون سازد؛ دنیایی که تبلیغاتِ بَرک کرده و زیبا، دیده‌ها را کم‌سو می‌کند تا حقایق راستین، کم‌رنگ جلوه کند.

من طالب حجّم، حجّ بیت الله الحرام، آن کعبه‌ی آمالِ تمامی مسلمانان... می‌خواهم احرام ببندم، از هر چه حجاب که بوده و هست تهی‌گردم، سپیدِ سپید به نزد پروردگار بروم.

می‌خواهم لَبیک بگویم و کاش پاسخ را نیز به جان

ص: ۱۰

بشنوم. اما ... نکند در بازگشت از حج، آن‌گاه که نامه‌ی عمل را به دست ولی زمان [می‌دهند، در آن میقات، نماز، احرام و لبیک نباشد و خطاب آید که:

«نه داخل میقات شدی، نه نماز خواندی، نه احرام بستنی و نه لبیک از روی صدق و راستی گفتی» (۱)

۱- اشاره به حدیثی از امام سجاد ع:

« قَالَ ع: تَنْظَفْتُ وَ أَحْرَمْتُ وَ عَقَدْتُ بِالْحَجِّ؟ قَالَ: نَعَمْ ... قَالَ ع: «فَحِينَ أَحْرَمْتُ نَوَيْتُ أَنَّكَ حَرَمْتُ عَلَيَّ نَفْسِكَ كُلَّ مُحَرَّمٍ حَرَمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؟» قَالَ: لَا. قَالَ ع: «فَحِينَ عَقَدْتُ الْحَجَّ نَوَيْتُ أَنَّكَ قَدْ حَلَلْتَ كُلَّ عَقْدٍ لِغَيْرِ اللَّهِ؟» قَالَ: لَا. قَالَ لَهُ ع: «مَا تَنْظَفْتُ وَ لَا أَحْرَمْتُ وَ لَا عَقَدْتُ الْحَجَّ.» قَالَ لَهُ: «أَدْخَلْتَ الْمِيقَاتَ وَ صَلَّيْتَ رَكَعَتَيِ الْأَحْرَامِ وَ لَبَّيْتَ.» قَالَ: نَعَمْ. قَالَ ع: «فَحِينَ دَخَلْتَ الْمِيقَاتَ نَوَيْتُ أَنَّكَ بَيْنَهُ الزِّيَارَةَ قَالِ لَا قَالَ فَحِينَ صَلَّيْتَ الرَّكَعَتَيْنِ نَوَيْتُ أَنَّكَ تَقَرَّبْتَ إِلَى اللَّهِ بِخَيْرِ الْأَعْمَالِ مِنَ الصَّلَاةِ وَ أَكْبَرِ حَسَنَاتِ الْعِبَادَةِ؟» قَالَ: لَا. قَالَ ع: «فَحِينَ لَبَّيْتَ نَوَيْتُ أَنَّكَ نَطَقْتَ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ بِكُلِّ طَاعَةٍ وَ صِيَمْتَ عَنْ كُلِّ مَعْصِيَةٍ؟» قَالَ: لَا. قَالَ لَهُ ع: «مَا دَخَلْتَ الْمِيقَاتَ وَ لَا صَلَّيْتَ وَ لَا لَبَّيْتَ.»

مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری م ۱۳۲۰، ج ۱۰، ص ۱۶۷، مؤسسه آل‌البیت.

امام زین العابدین و سیدالسادین ع از شبلی که از سفر حج بازگشته بود، پرسیدند: «آیا خود را از آلودگی‌ها پاک کردی، لباس احرام پوشیدی و پیمان حج بستنی؟» شبلی گفت: آری. امام ع فرمود: «آیا آن زمان که بر خود لباس احرام پوشاندی متوجه بودی تا از هر آن چه خدا حرام کرده دور شوی و آن را بر خود حرام کنی؟» گفت: نه. امام ع فرمود: «آیا هنگام بستن پیمان حج، این نیت را در دل گذراندی که هرگونه عهد و قرار با غیر خدا را که مورد رضایت او نیست بشکنی و گرداگرد معصیت نگردی؟» شبلی گفت: نه. امام ع فرمود: «پس نه از آلودگی‌ها پاک شدی نه محرم گشتی و نه پیمان حج بستنی.»

پس امام ع پرسید: «آیا وارد میقات شدی، دو رکعت نماز به جهت احرام خواندی و لبیک گفتی؟» شبلی گفت: آری. امام ع فرمود: آیا وقتی نماز می‌خواندی در نیت داشتی به سبب بهترین اعمال و بزرگترین حسنات که نماز است به خدا نزدیک می‌شوی؟» گفت: نه. امام ع فرمود: «آیا هنگام گفتن لبیک این نیت در تو بود که با خدا سخن می‌گویی تا در تمام موارد از خدا اطاعت کنی و از هر معصیت دوری گزینی و از تمام گناهان خودداری کنی؟» گفت: نه. امام ع فرمود: «پس در این صورت نه داخل میقات شده‌ای و نه در حقیقت نماز خوانده‌ای و نه لبیک راستین گفته‌ای!»

ص: ۱۱

پای در صحرای تفتیده دیروز می‌گذارم، صحرايي که امروز محلّ فرود حاجیان شده است و قلب بیابان‌هایش را سالن‌های زیبا پر کرده است. خدای را سپاس که محل استقرار حاجی را تزئین کرده‌اند. تاریک بیابانِ دیروز را هزاران شیء نورانی روشن کرده و جای شن‌های روان و خار مگیلان را سنگ‌های مرمین و صندلی‌های پایه سیمین گرفته است. دیروز بومیان با طبق طبق خرما به استقبال حاجیان می‌رفتند و امروز دسته دسته کتاب در اختیار حاجیان می‌گذارند.

ناشکری نمی‌کنم و از هر شاخه، میوه‌ای می‌چینم و از هرگونه کتاب یکی برمی‌دارم.

\*\*\* قلبم فسرده است. این همه نادرستی و ناپاکی را چرا با رنگ و لعاب بزک کرده‌اند. بازار مکاره را می‌ماند که زهر هلاهل را قندآمیز کرده‌اند. روکشی از

ص: ۱۲

شیرینی دارد و بالفور پایین می‌رود؛ اما درونش تلخی محض است و در باطن آکنده از نادرستی و ناپاکی است. یکی از یکی زیباتر و پر نقش و نگارتر. مار خوش خط و خال را می‌ماند که با طنّازی، به دورت می‌پیچد و با عشوه‌گری، زهر در کامت می‌ریزد و تا افسون نشوی و دیگر بار به خود نیایی، در نمی‌یابی ...

\*\*\* سال‌ها پیش، آن زمان که دل، هوای بیت الله و مسجد نبوی کرد، به عمره مشرف شدم. آن چند کتابی که برای توشه‌ی سفر اندوخته بودم در بدو ورود - سالن فرودگاه - از من به یغما بردند و من به تاوان آن، انبوهی از کتب تبلیغی رایگان‌شان را برای مطالعه در چمدان انداختم. افسوس که این کتاب‌ها هرچه زیباتر می‌نمود، از حقایق دینی تهی‌تر بود. پس از مراجعه به ایران، از دیگر دوستان نیز کتاب‌هایی در این زمینه گرفتم و نمونه‌هایی از اشتباه‌های فاحش این کتب را به رشته‌ی تحریر در آورم؛ تا شکرانه‌ای باشد در توفیق زیارت و براتی باشد بر ادامه‌ی هدایت.

این نوشتار، در پی به نقد کشیدن کتاب‌ها و قلم‌هایی است که جز ضلالت و تفرقه - آن هم در قبله‌گاه مسلمانان - هدفی را دنبال نمی‌کنند.

عدنان درخشان

تابستان ۱۳۸۶

ص: ۱۳

**مقدمه**

کتاب، چشمه‌ای است که روح آدمی را سیراب می‌کند و عطش فراگیری او را فرو می‌نشانند، تا آنجا که بعضی کتاب را «بهترین دوست و همدم انسان» معرفی می‌کنند. اما اگر عده‌ای در کتاب بذر نفاق بیفکنند و عقاید مسموم را در آن ترویج کنند، آیا سرابی نخواهد بود که تشنگان را بی‌حاصل به دنبال خود خواهد کشانید؟!

چرا باید در سفر حج و در کنار خانه‌ی خدا- جایگاه اصلی خداشناسی- نوشته‌هایی توزیع شود که خداوند را با صورت و چشم به تصویر کشد؟!

چرا باید در کنار خانه‌ی پیامبر (ص) و اطراف مسجد النبی (ص) کتاب‌های رایگان، مظاهر اظهار محبت به وجود مقدس آن رسول رحمت را شرک معرفی کند؟!

توحید و نبوت در نظر تمامی مسلمانان از اصول

ص: ۱۴

اعتقادی است. چگونه می‌توان پذیرفت آنان که خود در توحید و خداشناسی به خطا رفته‌اند و خدایی جسمانی را می‌پرستند، دیگران را متهم به شرک کنند و یا توجه به نبی (ص) را مصداق مرده پرستی قلمداد نمایند؟ در این مختصر، سخن آنان درباره‌ی توحید، نبوت و دیگر اصول اسلام و نیز سوء استفاده‌ی آنان از منابع اسلامی، به نقد کشیده خواهد شد.

مؤلف







ص: ۱۷

## فصل اول

### توحید

#### خدای جسمانی، شایسته‌ی پرستش نیست

توحید و اعتقاد به خدای یکتا، رمز مشترک تمامی ادیان آسمانی است. بنابراین بدیهی است که تأمل در این موضوع و شناختن خداوند متعال- بدان گونه که خود، خود را معرفی فرموده- وظیفه‌ی یکایک مسلمانان است. توجه به همین نکته‌ی ساده راهنمای این امر است که خداوندِ جسمانی که دارای دست و پا و چشم و گوش است، خدایی محتاج به جسم است و شایستگی عبادت نخواهد داشت.

#### معرفی خدا در کنار خانه‌ی خدا

#### خدایی انسان نما

خواهیم دید که توحید- این اساسی‌ترین پایه در هر دین الهی- همانند اعتقاد به نبوت، شفاعت، توسل، مهدی منتظر [در کتبی که در حج توزیع می‌شود، وارونه جلوه گر شده، و وحدانیت خدا به صورت تحریف شده عرضه می‌گردد.

ص: ۱۸

اعتقاد به خداوند که از هر حدّ و مرزی فراتر است، در این نوشته‌ها گرفتار ذهن محصور آدمی و در بند تفکر محدود انسانی شده است. صد افسوس آنان که دیگران را به راحتی کافر و مشرک می‌خوانند، خود به تشبیه خداوند پرداخته‌اند و ذات بی‌کران الهی را در وادی جسم بخشی محدود ساخته‌اند. این سخنان بدان جا می‌انجامد که: «خدا را قابل دیدن می‌دانند».

### جسم انگاری خداوند

در کتاب «عقیده اهل سنت و جماعت» (۱) که به زبان فارسی است و از زمستان سال ۸۳ شمسی در ایام حجّ واجب بین حجّاج فارسی زبان توزیع می‌گردد، چنین می‌خوانیم:

ایمان می‌آوریم به این که خدا دارای چهره‌ای آراسته به عظمت و بزرگی و انعام و احسان است ... ایمان می‌آوریم به این که خداوند دارای دو دست گرامی و عظیم و بزرگ است ... ایمان می‌آوریم به این که برای خدای تعالی دو چشم حقیقی است، چنان که می‌فرماید: *وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِّينَا* (۲) (و کشتی را با وحی ما و زیر نظر ما بساز ...) اهل سنت و جماعت همگی بر این

۱- لازم به یادآوری است که این اعتقاد، اعتقاد تمامی اهل تسنن در این زمینه نیست و وهابیان از عنوان اهل سنت و جماعت، استفاده‌ی نابجا کرده‌اند.

۲- هود: ۳۷.

ص: ۱۹

قول‌اند که چشمان خدای متعال دوتاست ... «(۱)» در همین کتاب در ترجمه‌ی آیه‌ی لا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ «(۲)» نویسنده به عنوان ترجمه و توضیح می‌نویسد:

چشم‌ها او را (در دنیا) درک نمایند (لیکن در آخرت مؤمنان او را خواهند دید) و ... ایمان می‌آوریم به این که مؤمنان در روز قیامت، خدا را خواهند دید. «(۳)» روشن است که عبارت‌های «در دنیا» و «لیکن در آخرت مؤمنان او را خواهند دید» به ترجمه‌ی این آیه‌ی شریفه‌ی قرآن افزوده شده و تفسیر شخصی نویسندگان کتاب است. عبارت «ایمان می‌آوریم به این که مؤمنان در روز قیامت خدا را خواهند دید» نیز برگرفته از همین تفسیر است و ارتباطی با آیه ندارد.

قرآن‌هایی که با ترجمه‌ی فارسی در مسجد الحرام و مسجد النبی در دسترس زائران قرار می‌گیرد نیز دارای چنین مطالبی است. برای مثال، مترجم فارسی زبان قرآن‌های عربستان، در ذیل آیه‌ی ۲۶ سوره‌ی یونس می‌نویسد:

۱- عقیده‌ی اهل سنت و جماعت، ص ۳۹-۴۱، محمد بن صالح العثیمین، ترجمه‌ی اسحاق بن عبدالله دبیری العوضی، چاپ اول، ۱۴۲۵ ق ۱۳۸۳ ش ۲۰۰۵ م، چاپ‌های متعدّد این کتاب نیز در سال‌های بعد به رایگان، در اختیار حاجیان قرار گرفته است.

۲- انعام: ۱۰۳

۳- عقیده‌ی اهل سنت و جماعت، ص ۴۲

ص: ۲۰

لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَ زِيَادَةٌ

آنان که نیکوکاری کردند، برایشان بهشت و زیاده بر آن است. یعنی رؤیت خدای تعالی. «(۱)» روشن است که باز هم عبارت «یعنی رؤیت خدای تعالی» در آیه‌ی قرآن وجود ندارد و تفسیر شخصی مترجم است. در کتاب دیگری که به زبان عربی در مکه و مدینه توزیع می‌شود، چنین می‌خوانیم: پروردگار ما هر شب (از عرش) به سمت آسمان دنیا پایین می‌آید (و در آن جا می‌ماند) تا این که شب به یک سوم انتهایی می‌رسد؛ آن گاه می‌گوید: هر کس مرا بخواند او را جواب می‌گویم. «(۲)» چنین برداشتی از توحید، مغایر اعتقاد فطری آدمی است که خداوند را بینا می‌یابد اما نه با چشم یا دو چشمی که با آنها مخلوقات را ببیند؛ هر فطرتی خداوند را خالق مکان می‌داند و او را در همه جا حاضر و ناظر می‌بیند نه این که خداوند باید از عرش پایین بیاید تا صدای خلایق را بشنود و آنگاه در صدد استجاب برآید. این سخنان، یکی از بدترین اعتقادات - شرک در

۱- القرآن الکریم و ترجمه معانیه إلى اللغة الفارسیة، ص ۲۱۲

۲- اصول الایمان، ص ۱۹، محمد بن عبد الوهاب رئیس فکری مذهب وهابیت، ۱۴۲۲ ق؛ عقیده اهل سنت و جماعت، ص ۳۰ و ۳۱.

ص: ۲۱

ذات- و نشانگر ناآشنایی و هابیان با توحید راستین است. افسوس که اینان، ادبیات توحیدی را نمی‌دانند و در عین حال از مشرک و کافر خواندن مخالفان خود ابایی ندارند.

### اشاعی شرک در ذات، به زبان‌های گوناگون

جای بسی تأسف است که در عمل، چنین اعتقاداتی حتی به زبان‌های دیگر هم ترویج می‌شود که آثار منفی خود را در پی خواهد داشت. به این نمونه دقت کنید:

"gnik eht ma I "yaS lliw eh neht ,thgiR sih ni snevaeht eht lla dna dnah sih yb htrae( fO."  
tenalP )elohW ehT psarG lliW hallA noitcerruseR fO yaD ehT nO :... ( ariaruH ubA dnA  
)ramU nbI detarraN

«(۱) از فرزند عمر (و ابوهریره) نقل است: در روز رستاخیز خداوند تمام (کره) زمین را در دست خویش می‌گیرد و آسمان‌ها را در دست راست خویش گرفته، می‌گوید: من پادشاه هستم.

به راستی، کتاب‌های پرتیراژ و هابیت عربستان و قرآن‌های چاپ شده به زبان‌های گوناگون، که حاوی

---

۱- تفسیر معانی القرآن الکریم باللغه الانجلیزیه، ص ۱۸۱، دکتر محمد محسن خان و دکتر محمد تقی الدین هلالی اساتید دانشگاه مدینه، چاپ چهارم، ۱۹۹۴ م.

ص: ۲۲

چنین تفاسیری است، چه برداشتی از توحید را برای مسلمانان به ارمغان خواهد آورد؟!

### زیر پرچم توحید متمدن شویم

اولین توصیه برای ایجاد وحدتی پایدار، تلاش برای تصحیح مفاهیم در اصل اساسی «توحید» است. یعنی به جای برداشت غلط در این که «خداوند دو دست دارد و با یکی سیاره زمین و با دیگری تمام آسمان‌ها را می‌گیرد» بگوییم «در روز قیامت، خداوند همه چیز را در ید قدرتمند خویش گرفته و همه چیز تحت سیطره و تسلط اوست.» آن‌گاه می‌فرماید:

لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ﴿۱﴾ «ملک و پادشاهی امروز برای کیست؟ برای خداوند یکتای قهار است.

چنین خدایی چشم، دست، صورت و ... ندارد تا اولاً نیازمند به آن باشد و ثانیاً به آن محدود گردد و ثالثاً بندگانش به وادی تشبیه گرفتار شوند.

لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ﴿۲﴾ «خدای یکتا را هیچ مثل و مانندی نیست.»

خداوند چه در دنیا و چه در آخرت قابل دیدن

۱- غافر: ۱۶.

۲- شوری: ۱۱.

ص: ۲۳

نیست؛ چرا که هر چه به چشم آید، حتی اگر بزرگترین مخلوق باشد، باز هم محدود است و با عبارت «اللّه اکبر؛ خداوند برتر از آن است که به وصف درآید» و هر مسلمانی هر روز بارها آن را تکرار می‌کند، مغایرت دارد. به همین جهت نباید آیه‌ی: لا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ (۱) چشم‌ها او را درک نمی‌کند ولی او دیدگان را- و آنچه را دیدگان می‌نگرند- می‌بیند.

را به میل خویش تفسیر کنیم و به آیه چیزی اضافه نماییم، لذا نگوییم «مؤمنان در دنیا خدا را نمی‌بینند؛ اما در آخرت خداوند را خواهند دید!». بلکه هیچ انسانی در دنیا و آخرت خداوند را نخواهد دید؛ همان‌گونه که آیه‌ی قرآن بر این مطلب تصریح دارد.

### خلاصه‌ی سخن

- ۱- توحید یعنی خدا را از هر گونه تشبیه، پاک و منزّه بدانیم. عبارت «اللّه اکبر» یعنی «خداوند بزرگ‌تر و برتر از آن است که به وصف درآید» نیز بر همین نکته اشاره دارد و مسلمانان هر روز و با هر نماز به آن توجه می‌کنند.
- ۲- وهابیان توحید الهی را با خدایی که دارای دو

ص: ۲۴

دست، دو چشم و صورت است، جابه‌جا کرده‌اند. این اعتقاد، همان تشبیهی است که قرآن و روایات معصومین علیهم السلام آن را نفی می‌کند.

۳- و هائیان که خود در فهم توحید به غلط رفته‌اند، دیگران را به شرک و کفر متهم می‌کنند.







ص: ۲۷

## فصل دوم

## نبوت

## زیارت پیامبر (ص)

## بدعت یا زیباترین واقعت

منتشرکنندگان این کتب به ظاهر رایگان «(۱)» نه تنها زیارت قبر شریف نبوی را کم اهمیت جلوه می‌دهند، بلکه هرگونه ارتباط قلبی و عاطفی مسلمانان را با رهبر راستین خویش تکفیر می‌کنند. وهابیان در کتبی که به صورت رایگان و به تعداد بی‌شمار توزیع می‌شود، حتی بوسیدن ضریح نبوی (ص) را بدعت می‌شمارند.

ولایجوز لأحد أن یتمسح بالحجره أو یقبّلها أو یتوف بها. لأنّ ذلك لم ینقل عن السلف الصالح بل هو بدعه منکره. «(۲)» جایز نیست کسی به خانه پیامبر (و ضریح شریف نبوی) دست بکشد یا آن را ببوسد و یا بر گرد آن

۱- مگر جز این است که بسیاری از این کتب با پول زکات- که باید به اهلش برسد- چاپ و توزیع می‌شود.

۲- التحقیق والایضاح، ص ۹۳-۹۴، عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، چاپ ۱۴۱۹.

ص: ۲۸

حرکت کند. زیرا این مطلب از هیچ کدام از سلف صالح (صحابه پیامبر (ص) و بزرگانی که مورد قبول اهل سنت هستند) نقل نشده است؛ بلکه چنین عملی از بدعت‌های زشت شمرده می‌شود.

برخلاف آنچه در بالا آمده است، این عمل نه تنها بدعت نیست، بلکه از سلف صالح (گذشتگان نیکو کردار) حکایت‌های فراوانی در این زمینه آمده است. بسیار بعید- بلکه ناممکن- است که ناشران و هابی، این مطالب را- که در منابع اهل تسنن فراوان به آن اشاره شده- ندیده باشند. به نظر می‌آید و هابی‌ان با آگاهی کامل این سخن را وارونه جلوه می‌دهند. برای مثال می‌توان به عمل «ابویوب انصاری» که به راستی سلف صالح و از اصحاب مشهور پیامبر (ص) است، استناد کرد.

### زیارت قبر شریف نبوی توسط ابویوب انصاری

أقبل مروان يوماً فوجد رجلاً واضِحاً وجهه على القبر فأخذ برقبته وقال: أتدري ما تصنع؟ قال نعم؛ فأقبل عليه فاذا هو أبوأيوب الأنصاري رضي الله عنه فقال: جئت رسول الله (ص) آتِ الحجر؛ سمعتُ رسولَ الله (ص) يقول: لا تَبْكُوا على الدِّينِ إِذَا وَلِيَهُ أَهْلُهُ، ولكن ابْكُوا عليه إِذَا وَلِيَهُ غَيْرُ أَهْلِهِ. هذا حديث

ص: ۲۹

صحیح الإسناد ولم یخرجاه. «(۱)» روزی مروان [فرزند حکم که از طرفداران معاویه و بنی امیه بود] مردی را دید که صورت بر قبر شریف پیامبر نهاده است. گردن او را گرفت و گفت: می‌دانی چه می‌کنی؟ وقتی آن مرد سر از قبر برداشت دید که ابویوب انصاری [صحابی مشهور رسول خدا (ص)] است.

ابویوب پاسخ داد: آری [می‌دانم که چه می‌کنم] من سراغ سنگ نیامده‌ام. بلکه به نزد رسول خدا آمده‌ام. از آن حضرت شنیدم که فرمود: بر دین گریه نکنید آن زمان که شایستگان عهده دار آن می‌شوند؛ بلکه آن هنگام بگریید که ناهلان [همانند مروان و معاویه] عهده دار و والی آن گردند.

سپس حاکم نیشابوری اضافه می‌کند که:

سندهای این حدیث بر اساس شرط بخاری و مسلم (نویسندگان دو کتاب مشهور سنّیان) صحیح است، اما آن دو در کتب خویش آن را نیاورده‌اند.

آری، اعتقاد سیلف صالح، توجه و توسّل به قبر شریف نبوی (ص) بوده است و این آل مروان و بنی امیه هستند که به این عمل اعتراض می‌کنند.

۱- از مدارک اهل تسنّن: مستدرک حاکم نیشابوری، ج ۵، ص ۴۱۸؛ الفتن والملاحم، حدیث ۸۷۴۹، چاپ دارالفکر، بیروت. قابل توجه است که این کتاب از کتب مشهور سنّی‌ها است.

ص: ۳۰

**پیامبر رحمتی که نباید از او چیزی خواست**

مشاهده کردیم که اینان، بوسیدن ضریح را بدعت می‌انگارند و مسلمانان را از این نحوه اظهار محبت برحذر می‌دارند. در کتاب دیگری - که بین زائران مسجد نبوی توزیع می‌شود - ارتباط عاطفی و حاجت خواهی نیز شرک به حساب می‌آید. در این زمینه چنین می‌خوانیم:

ولایجوز لأحد أن یسأل الرسول صلی الله علیه [وآله] وسلم قضاء حاجه... وطلبه من الأموات شرک بالله. «(۱)» برای هیچ کس جایز نیست که از رسول خدا صلی الله علیه [وآله] وسلم حاجتش را بخواهد... و حاجت خواهیش از مردگان، شرک به خداست.

**اختلاف نظر اهل تسنن با وهابیان در موضوع زیارت**

تعجیبی نخواهد داشت که باز هم در مدارک اهل تسنن موارد فراوانی را در مغایرت با ادعای فوق شاهد باشیم. به این نمونه توجه کنید:

[امیرالمؤمنین] علی (ع) روایت می‌کند: «سه روز پس از دفن پیامبر اکرم (ص) بادیه نشینی به مدینه

۱- التحقیق والایضاح، ص ۹۴، چاپ ۱۴۱۹ ق.

ص: ۳۱

آمد و خود را بر قبر آن حضرت افکند و از خاک آن بر سر خود ریخت و گفت: یا رسول الله! گفتمی و اطاعت کردیم، تو از خدا خبر دادی و ما از تو خبر یافتیم. از جمله آنچه در قرآن بر تو نازل شده این آیه است: «اگر آنان هنگامی که به خود ستم کردند به نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر هم برای ایشان استغفار می‌کرد خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند» (۱).

اینک من بر خودم ستم کردم. به سوی تو آمدم و می‌خواهم برایم استغفار کنی. از داخل قبر شریف ندا آمد که: خداوند تورا آمرزید. «(۲)» جالب آن است که تمامی ستیان به پیامبر (ص) و آثار مرتبط با ایشان احترام می‌گذارند؛ تا آنجا که مؤلف کتاب «الفقه علی المذاهب الأربعة» (۳) می‌نویسد:

هنگامی که از دور، شهر مدینه را دیدی بر پیامبر صلوات و درود فرست و بگو: «خدایا، این حرم نبی توست، پس آن را امان من از آتش قرار بده.» ... پس آن گاه که داخل مسجد شدی بگو: «خدایا بر محمد و آل او درود فرست» پس برخیز و به سوی قبر رسول خدا برو و بالای سر شریف آن حضرت و روبه قبله بایست ... چهره زیبا و باوقار

۱- نساء: ۶۴.

۲- از مدارک سنی: وفاء الوفاء سمهودی، ج ۴، ح ۱۳۶۱، باب هشتم: «فی زیارة النبی صلی الله علیه [وآله] وسلم»، فصل دوم: «فی بقیة ادلة الزیارة».

۳- نام ترجمه‌ی کتاب این است: فقه مذاهب چهارگانه‌ی اهل تسنن

ص: ۳۲

آن حضرت را تصور کن. گویی که در قبرش خوابیده و به [اعمال] تو آگاه است و صدایت را می‌شنود. پس بگو: «سلام بر تو ای پیامبر خدا و رحمت و برکت خدا بر تو باد! شهادت می‌دهم که تو رسول خدایی» ... و برسان سلام آن کس را که به تو سفارش کرده است. پس بگو:

«سلام بر تو ای رسول خدا از طرف فلان فرزند فلان. از تو طلب شفاعت می‌کند به سوی خداوند، پس شفیع او و تمام مسلمانان باش» ... سپس به سوی منبر برو و دستت را بر روی آن بگذار که رسول خدا (ص) دست خویش را به هنگام سخنرانی بر روی آن می‌نهاد تا از برکت رسول خدا بهره‌مند شوی. «(۱)» چنانچه دیدیم برخلاف نظر تمامی مسلمانان، وهابیان نه تنها موارد فوق را انکار می‌کنند، بلکه در اصل زیارت قبر پیامبر (ص) نیز شبیه می‌افکنند و تلاش می‌کنند زیارت روضه‌ی شریف نبوی را امری فرعی نشان دهند. با کمال تأسف این اعتقاد باطل به صورت نوشتار و جزوه و کتاب و نوار و ... در می‌آید و بین زائران خانه‌ی خدا و مسجد نبوی به صورت رایگان و انبوه توزیع می‌گردد. در جهانی که تمامی ادیان تلاش می‌کنند ارتباط پیروان خود را با رهبر دینشان مستحکم کنند، به راستی چرا عده‌ای تمام تلاششان بر قطع ارتباط با پیامبر اسلام (ص) متمرکز شده است؟!!

۱- الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۳۶۶، عبدالرحمن الجزیری.



ص: ۳۳

در کتاب «راهنمای حج و عمره» که هر سال در مکه و مدینه توزیع می‌شود چنین می‌خوانیم:  
 ... زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه [وآله] و سلم برخلاف گمان بعضی از عامه‌ی مردم، نه واجب است و نه شرطی از شروط ادای حج. «(۱)» یکی از رهبران وهابی توضیح بیشتری می‌دهد و می‌نویسد:

زیارت قبر نبوی نه واجب است و نه شرط (قبولی) حج ... کسانی که از دور به سوی مدینه می‌آیند نباید به قصد زیارت سفر نمایند ... اگر سفر به قصد زیارت رسول خدا و دیگران شرعی بود باید امت (مسلمان) به آن دلالت می‌کرد (و آن را انجام می‌داد). «(۲)» روشن است که نویسندگان مطالب بالا، سفر زیارتی را نامشروع اعلام می‌کنند و این سؤال‌ها را در ذهن مخاطبان خویش، بی‌پاسخ رها می‌سازند:

آیا به قصد زیارت رسول خدا (ص) سفر کردن، شرعی نیست؟!!

آیا زیارت رسول خدا (ص) از سفرهای تفریحی و یا تجاری، بی‌ارزش‌تر است که چنین سفرهایی جایز

۱- . راهنمای حج و عمره، ص ۸۸، ترجمه‌ی فضل ربی ممتاز زاده، چاپ ۱۴۱۸.

۲- التحقیق و الايضاح، ص ۱۰۱-۱۰۲.

ص: ۳۴

است اما سفر زیارتی مشروع نیست؟!!

آیا هیچ یک از ائمت اسلام بر چنین مطلبی دلالت نمی‌کند؟!!

چگونه است که گذشتگانی که مورد احترام مسلمانان و به ویژه اهل تسنن‌اند، به چنین اعمالی مبادرت ورزیده‌اند؟

### حکایتی زیبا از زیارت بلال حبشی

جا دارد قبل از بررسی پیشینه‌ی وهابیان در ماجرای زیارت، حکایت ذیل را که از کتب معتبر اهل تسنن نقل شده است، بخوانیم:

و از کسانی که به قصد زیارت رسول خدا و قبر آن حضرت از شام به مدینه آمد، بلال حبشی - مؤذن رسول خدا - بود ... همان‌گونه که ابن عساکر با سندی عالی این داستان را نقل کرده است: بلال حبشی [مؤذن رسول الله (ص)] آن حضرت را در خواب دید که به او می‌فرماید: این چه جفایی است، ای بلال! آیا وقت آن نشده است که به زیارت من آیی؟ بلال بیدار شد و اندوهگین و محزون گشت. بر مرکب خود سوار شد و به زیارت قبر پیامبر (ص) آمد و شروع به گریستن کرد و صورت بر قبر پیامبر می‌نهاد. چون حسن و حسین آمدند، آن دو را در آغوش کشید و بوسید. «(۱)»

۱- از مدارک سنّی: الوفاء الوفاء، سمهودی ۱۳۵۶: ۴-۱۳۵۷؛ اسد الغابه، ابن اثیر ۲۰۸: ۱؛ شفاء السقام، سبکی: ۳۹.

ص: ۳۵

سُبکی از علمای سنّی، در شرح این حدیث و در تأیید زیارت قبور می‌نویسد:

اعتماد ما در- مشروع بودن- سفر برای زیارت تنها به رؤیا و خواب بلال حبشی نیست؛ بلکه به عمل بلال حبشی است ... و رؤیای بلال تنها تأییدی بر عمل اوست. «(۱)» با این تفاسیل، چرا باید در کتبی که در کنار مسجد النّبی به زبان‌های متعدّد توزیع می‌شود، بخوانیم:

جایز نیست کسی به قبر پیامبر دست بکشد و یا آن را ببوسد؛ چرا که این رفتار از هیچ یک از سلف صالح نقل نشده است؛ بلکه بدعتی زشت به شمار می‌آید. «(۲)» آیا امثال ابویوب انصاری و بلال حبشی از صحابه‌ی رسول خدا (ص) و سلف صالح نیستند؟

### پیشینه‌ی زیارت نزد مؤسس فکری فرقه‌ی وهّابی

این طرز فکر، بدعتی است که توسط پایه‌گذار اعتقادی وهّابیت- ابن تیمیه حنبلی مذهب- رواج یافته است و نه تنها شیعیان- که پیرو رسول خدا (ص) و اهل بیت: هستند با آن مخالف‌اند- بلکه هر چهار فرقه‌ی سنّی مذهب و حتّی حنبلی‌ها که ابن تیمیه در فقه

۱- وفاء الوفاء سمهودی ۱۳۵۷: ۴.

۲- التحقیق والایضاح: ۱۴۲۵.

ص: ۳۶

پیرو امام آن‌ها- احمد حنبل- است نیز با آن مخالفت کرده‌اند.

### مخالفت سنیان با ابن تیمیه در ماجرای زیارت، به زندانی شدن وی می‌انجامد

ابن تیمیه به انتشار عقاید عجیب و فتوای نوظهور مشهور بود. نشر چنین عقایدی، عالمان سنی زمان او را آن چنان تحریک نمود که سرانجام وی را راهی زندان کردند.

تاریخ، ماجرای به زندان افتادن او را چنین بازگو می‌کند:

گروهی از علمای اهل تسنن چنین گفتند: زیارت قبر نبوی صلی الله علیه [وآله] و سلم فضیلت و سنت است که تمامی اهل تسنن بر آن اجماع دارند. اما فتوا دهنده‌ی مذکور [ابن تیمیه] باید که توسط علما از چنین فتاوی باطلی باز داشته شود و از نشر چنین فتوایی او را منع کنند و در صورتی که قبول نکرد، او را در زندان حبس نمایند.

نام کسانی که این دستور را امضا کردند، چنین است:

۱- قاضی شافعی مذهب در مصر، محمد بن ابراهیم بن سعدالله بن جماعه.

۲- قاضی القضاة حنفی مصر، محمد بن جریری انصاری حنفی (او اضافه می‌کند که در هر صورت باید او را به زندان افکند؛ حتی اگر توبه کند؛ چرا که قبلاً

ص: ۳۷

نیز توبه کرده و سپس همان عقاید را اشاعه داده است.)

۳- مفتی بزرگ مالکی های مصر، محمّد بن ابوبکر مالکی (او اضافه می نماید: باید در زندان بر او سخت گرفت تا از این عقیده فاسد و دیگر مفسده‌های او جلوگیری شود.)

۴- قاضی حنبلی مصر احمد بن عمر المقدسی. «(۱)» این اعتقاد و دیگر عقاید او باعث شد که وی به دستور فقهای سنی مذهب زمان خود، بارها به زندان بیفتد. تا این که فتوای او در مسأله‌ی زیارت قبر شریف نبوی (ص) سبب گردید در شعبان سال ۷۲۶ به بند کشیده شود و تا آخر عمر (شوّال سال ۷۲۸) در زندان باشد.

### مخالفت سنیان با ابن تیمیه و اعتقاداتش

رواج این تفکر، به حدّی سبب فتنه‌انگیزی شد که حتّی ابن حجر عسقلانی - که بر ضدّ مذهب شیعه کتاب نوشته است - نیز به شدیدترین صورت آن را رد می کند:

من اعتقد عقیده ابن تیمیّه حلّ دمه و ماله. «(۲)» هر کس معتقد به اعتقاد ابن تیمیه باشد، مال و جان او حلال است.

دیگر علمای اهل تسنّن نیز به اجماعی بودن زیارت قبر شریف نبوی (ص) توجّه داده‌اند:

(در میان اهل تسنّن بر این که زیارت قبر شریف

۱- تکملة السیف الصیقل، شیخ محمّد زاهد کوثری: ۱۵۵.

۲- الدرر الكامنه، ابن حجر العسقلانی ۱: ۱۴۷.

ص: ۳۸

پیامبر (ص) سنت است) اجماع وجود دارد. قاضی عیاض گفته است: زیارت قبر پیامبر بین مسلمانان سنت است که بر آن اجتماع دارند و فضایل زیادی بر آن وجود دارد. گروه زیادی از علما اجماع دارند که زیارت قبر پیامبر برای مردان امری مستحب است؛ همان گونه که نووی این مطلب را حکایت کرده است. «(۱)»

### خلاصه‌ی سخن

- ۱- زیارت حرم نبوی و مسافرت به قصد زیارت بارگاه رسول خدا (ص)، در اعتقاد مسلمانان از بهترین اعمال است و تنها وهابیان آن را بدعت می‌دانند.
- ۲- وهابیان اعتقاد به کفرآمیز بودن سفر زیارتی را به تمام مسلمانان نسبت می‌دهند، در حالی که این اعتقاد ساخته و پرداخته‌ی خود آن‌هاست.
- ۳- بوسیدن قبر شریف نبوی (ص)، توسل و توجه به آن وجود مقدس، در منابع اهل تسنن نیز فراوان یافت می‌شود؛ اما وهابیان در صدد انکار این واقعیت هستند.
- ۴- وهابیان اعتقاد نادرست خویش را در تیراژ وسیع منتشر و به رایگان توزیع می‌کنند. اینک به راستی بدعت گزار کیست؟ زائران مسجد نبوی و زیارت‌کنندگان قبر رسول خدا (ص) یا ...

### تحریر متن تاریخی در موضوع زیارت، مرثیه‌ای قدیمی برای دوری مسلمانان از پیامبر

و هابیان به جای متحد کردن امت اسلام که جایگاهش در زمان حج است، با نشر اکاذیب، مسلمانان را متهم می‌کنند که با زیارت رسول خدا و توسل و شفاعت خواهی از او، عمل شرک آمیز انجام می‌دهند. برای نیل به این هدف، حتی از دست کاری و تحریف متون کهن تاریخی نیز ابایی ندارند.

نوی از علمای مشهور اهل تسنن و متوفای ۶۷۶ در کتاب خویش الأذکار می‌نویسد:

فصل فی زیارة قبر «(۱)» رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ [وآله] و سلم و أذكارها.

اعلم أنه ينبغي لكل من حج أن يتوجه إلى زیارة رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ [وآله] و سلم، سواء كان ذلك طريقه أو لم يكن، فان زیارته صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ [وآله] و سلم من أهم القربات و اربح المساعي و أفضل الطلبات، فإذا توجه للزیارة أكثر من الصلاة عليه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ [وآله] و سلم في طريقه، فإذا وقع بصره على اشجار المدينة و حرمتها و ما يعرف بها، زاد

۱- واژه‌هایی که زیر آن‌ها خط کشیده شده است در چاپ کشور عربستان تحریر شده‌اند.

ص: ۴۰

من الصلاة والتسليم عليه صَلَّى اللهُ عليه [وآله] و سَلَّمَ و سَأَلَ اللهُ أَنْ يَنْفَعَهُ بِزِيَارَتِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ [وآله] و سَلَّمَ و ان يُسَعِّدَهُ بِهَا فِي الدارين و ليقُل: اللهم افتح عليّ ابواب رحمتك و ارزقني في زيارة قبر نبيك صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ [وآله] و سَلَّمَ ما رزقته اولياءك و أهل طاعتك و اغفر لي و ارحمني يا خيرَ مسؤول. «(۱)» فصلی است درباره‌ی زیارت قبر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و [آله] و دعا‌های آن. بدان هر کس که عازم حج می‌گردد، شایسته است آهنگ زیارت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و [آله] نیز کند، خواه قبر شریف آن حضرت در مسیر او باشد یا نباشد. زیرا زیارت ایشان از مهم‌ترین وسایل تقرب به خدا، سودمندترین کار و برترین اهداف است. پس زمانی که شخص آهنگ زیارت آن حضرت می‌کند، [به‌جاست] در راه بر او درود فراوان فرستد و چون چشمش به درختان مدینه و حرم و علائم آن می‌افتد، بر درود و سلام بر آن حضرت بیفزاید و از خداوند درخواست کند که این زیارت را برای او سودمند گرداند و به پاس آن، سعادت دنیا و آخرت را به وی عطا کند. و باید این ذکر را بگوید: «اللَّهُمَّ افْتَحْ...» یعنی بار خدایا،

۱- الأذکار النوویة، یحیی نووی دمشقی، تحقیق: محیی الدین طبعه دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ هـ ق ص ۳۳۳؛ این کتاب قبلاً نیز در سال ۱۳۷۵ ق در قاهره چاپ شده است.



ص: ۴۱

درهای رحمت را بر من بگشای و به من در زیارت قبر پیامبرت، آن بهره‌ای را که به اولیا و اهل طاعتت می‌دهی، ارزانی بدار و بر من ببخشای و مرا مورد رحمت قرار ده، ای کسی که بهترین مطلوب درخواست کنندگانی.

اما در عصر ما همین کتاب توسط مؤسسه‌ی دارالهدی در ریاض (پایتخت عربستان سعودی) چاپ می‌شود و فردی به نام عبدالقادر ارنان ووط به اسم تحقیق، این قسمت را چنین تغییر می‌دهد:

فصل فی زیارة مسجد رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ [وآله] وَسَلَّم.

اعلم أنه يستحب من أراد زيارة مسجد رسول الله ان يكثر من الصلوة عليه في طريقه فاذا وقع بصره على اشجار المدينة وحرمها وما يعرف بها زاد من الصلوة والتسليم عليه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ [وآله] وَسَلَّم و سأل الله أن ينفعه بزيارته لمسجده و ان يسعده بها في الدارين و ليقول: اللَّهُمَّ افتح علي أبواب رحمتك و ارزقني في زيارة مسجد نبيك صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ [وآله] وَسَلَّم ما رزقته اولياءك و اهل طاعتك و اغفر لي و ارحمني يا خير مسؤول. «(۱)»

۱- الأذكار محيي الدین ابوزکریا یحیی بن شرف نووی دمشقی، تحقیق نصوص و تخريج احادیث و تعليق عبدالقادر ارنان ووط چ ۲: مزید و منقح: دارالهدی، ریاض ۱۴۰۸ ص ۲۹۵.

ص: ۴۲

در مقایسه‌ی دو متن، مشاهده می‌کنیم که عبارت‌های «زیارت قبر شریف نبوی (ص)» یا «زیارت رسول خدا (ص)» که خوش آیند و هائیان نیست، به عبارت «زیارت مسجد» تغییر یافته است! حتی جمله‌هایی که حکایت گر ثواب فراوان «زیارت» است، حذف گردیده است ...

مگر ارزش مسجد نبوی (ص) جز به وجود مقدس خاتم‌الأنبیاء (ص) و قبر مطهر آن حضرت است که برخی این چنین نگران‌اند تا آن‌جا که به تغییر عبارت دست می‌یازند؟

مگر می‌توان به راحتی متن زیارت، ادعیه و یا کتب مذهبی را که برگرفته از تعالیم نبوی است، به میل شخصی تغییر داد؟  
به راستی چرا و هائیان، مسلمانان را از توجه به رسول خدا (ص) و اهل بیتش: برحذر می‌دارند و به هر وسیله - حتی تحریف متون و تخریب حرم امامان: در بقیع و سامراء- در تلاش‌اند تا نماز خواندن‌های منظم، پی‌درپی، طولانی و اجباری در مساجد شریفه را جای‌گزین آن نمایند!!

## نتیجه‌ای عبرت‌انگیز در قالب داستانی شگرف

## معجزه‌ای از قبر شریف نبوی (ص)

نشر چنین مطالبی آن هم در مدینه و در کنار روضه و قبر شریف پیامبر (ص) و ترویج کتاب‌هایی این چنین، انسان را به یاد حکایتی می‌اندازد که ذکر آن در منابع اهل تسنن نیز رفته است:

أن خالد بن الوليد بن الحارث بن الحكم بن العاص و هو ابن مطيرة قام على منبر صلى الله عليه [وآله] وسلم يوم الجمعة فقال: لقد استعمل رسول الله صلى الله عليه [وآله] وسلم علي بن أبي طالب رضي الله عنه و هو يعلم أنه خائن ولكن شفعت له ابنته فاطمة رضي الله تعالى عنها. و داود بن قيس في الروضة، فقام فقال: أس، أي يسكته. قال: فمزق الناس قميصا كان عليه شقائق حتى وتروه، و أجلسوه حذراً عليه منه، وقال: رأيت كفا خرجت من القبر، قبر رسول الله صلى الله عليه [وآله] و سلم و هو يقول: كذبت يا عدو الله، كذبت يا كافر، مراراً. [\(۱\)](#) خالد، معروف به ابن مطيره [که از نزدیکان بنی امیه بود] روز جمعه‌ای بر منبر رسول خدا

۱- از مدارک اهل تسنن: وفاء الوفاء، سمهودی ۱۳۵۶: ۴.

ص: ۴۴

صلی‌الله‌علیه‌و [آله] رفت و گفت: پیامبر، علی بن ابی‌طالب رضی‌الله‌عنه را به کاری فرمان داد و آگاه شد که او خیانت کرده است. اما دخترش فاطمه رضی‌الله‌عنها شفاعت او را نزد رسول خدا کرد.

در این هنگام داود بن قیس که در مسجد پیامبر نشسته بود [و از دروغ‌پردازی ابن مطیره آگاه بود] برخاست و فریاد زد: ساکت باش! مردم جامه‌ی او را گرفتند و او را از ترس ابن مطیره نشانندند که ناگاه صدایی از قبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و [آله] برخاست که می‌فرمود: ای دشمن خدا، دروغ‌گفتی! ای کافر، دروغ‌گفتی! و این جملات چند بار تکرار گردید.

امید است آنان که در کنار کعبه و مسجدالحرام و حرم شریف پیامبر به غیر حقیقت متوسل می‌شوند، از چنین وقایعی پند گیرند و قبل از آن که نامه‌ی عملشان با مرگ بسته شود، توبه کنند؛ تا در هنگام مرگ ندای «کذبت یا عدو الله کذبت یا کافر» را نشنوند.





ص: ۴۷

## فصل سوم

## میراث نبوی

## میراث نبوی، آماج تیرهای بداندیشی

## بدعت‌انگاری حقایق دین

بدعت به معنای وارد کردن معنا و عملی جدید در دین است. چنین عملی به تصریح فقه شیعه و سنی حرام شمرده می‌شود و فرد بدعت‌گزار کافر معرّفی می‌شود. در نتیجه، به همان میزان که ورود یک بدعت به دین خطرناک است، بدعت‌انگاری حقایق دین نیز می‌تواند آشفستگی فراوانی ایجاد کند. به این معنا که اگر حقیقتی - به سبب سلايق شخصی - بدعت معرّفی شود، گروه زیادی از مسلمانان که پای‌بند آن حقیقت‌اند و به آن عمل می‌کنند، کافر شمرده می‌شوند.

از سوی دیگر، بدعت‌شمردن حقایق دینی و افترا خواندن واقعیت‌های مذهبی حرام است و دروغ و افترا محسوب می‌شود. در نتیجه بدعت‌شمردن حقایق دین، خود به شرک منتهی می‌شود.

همان‌گونه که مشاهده کردیم، وهابیان زیارت قبر نبوی (ص) را بدعت می‌شمارند. آنان سابقه‌ی طولانی

ص: ۴۸

در بدعت دانستن اموری دارند که هر کدام، از اصیل‌ترین پایه‌های اسلام است. آن‌ها به راحتی حکمی را که تمام مسلمانان به آن عمل می‌کنند بدعت می‌دانند و در نتیجه معتقدان و عاملان به این حقیقت، بدعت‌گزار محسوب می‌شوند و با برچسب کفر و شرک، جانشان به خطر می‌افتد. این ماجرا- علاوه بر نبوت- در آثار نبوی و حتی احکام فقهی نیز رخ داده است. به نمونه‌هایی دیگر که در کتاب‌های توزیع شده در حج با آن مواجه می‌شویم، توجه کنید:

### بدعت‌انگاری در حکمی‌فقهی و مخالفت با شیعه و سنی

در زمستان سال ۸۳ در بین زائران فارسی زبان، کتاب «آموزش نماز» توزیع شده است. در مبحث «نیت»، مترجم چنین توضیح می‌دهد:

نیت در قلب است؛ زیرا از رسول اکرم (ص) ثابت نشده که آن حضرت نیت را بر زبان آورده باشند، مگر نیت حج و هم‌چنین از صحابه و یاران و تابعین هم ثابت نشده، پس نیت کردن با زبان یک نوع بدعت به‌شمار می‌رود. «(۱)» توضیح بیشتر را می‌توان در کتاب‌های دیگر- که

---

۱- آموزش نماز به زبان فارسی: ۳۴. مترجم اسحاق بن عبدالله دبیری العوضی، چاپ ۱۴۲۵، وزارت شؤون اسلامی و اوقاف و دعوت و ارشاد عربستان سعودی.



ص: ۴۹

به دست حجاج داده می‌شود- پیدا کرد:

در هنگام نماز و طواف و در غیر آن بهتر است که نیت را به زبان نیاورد... بلکه اگر کسی نیت را به زبان آورد بدعت است و اگر کسی این نیت را به آواز بلند بر زبان جاری سازد، زشت‌تر و گناهش شدیدتر است. «(۱)» این سخن حتی مورد قبول ستیان هم نیست. جالب آن که احمد حنبل- امام فقهی وهابیان- با این فتوا مخالف است. دو امام از چهار امام فقاهاهت اهل تسنن- احمد حنبل و شافعی- به زبان آوردن نیت را نه تنها بدعت نمی‌دانند، بلکه آن را سنت می‌شمارند و سیره‌ی پیامبر قلمداد می‌کنند. امام دیگر مالک بن انس به زبان آوردن نیت را از سنت نمی‌شمرد. اما از بدعت بودن آن نیز سخنی نمی‌گوید و در نتیجه قول مشهور اهل تسنن، جواز به زبان آوردن نیت در نماز و غیر آن است. «(۲)»

این که وهابیان از نظر فقهی معتقدند به زبان آوردن نیت بدعت است، محل بحث نیست. نکته در این جاست که آنان این فتوای خاص را بین تمامی مسلمانان به عنوان حکم خدا نشر می‌دهند و عمل نکردن به آن را بدعت می‌دانند. تکلیف بدعت گزار نیز

۱- التحقیق والایضاح عربی: ۱۹.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة ۱۱۴: ۱، عبدالرحمان الجزیری، بیروت.

ص: ۵۰

از نگاه عالمان این فرقه مشخص است.

**سابقه‌ای طولانی در بدعت‌انگاری: ساعت، تلفن، دوچرخه، ... در نظر وهابیان بدعت بوده است!**

با کمال تأسف به نظر می‌رسد ملاک بدعت دانستن امور نزد این گروه، میل شخصی و درک سطحی از وقایع است. بدعت‌انگاری برخی واقعیت‌های زندگی، نشانگر بینش سطحی وهابیان است. از جمله اموری که از زمان محمد بن عبدالوهاب (۱۲۰۶-۱۱۱۵) پایه‌گذار وهابیت در عربستان به عنوان بدعت به آن نگریسته می‌شد، موارد زیر است:

۱- پیشینه‌ی وهابیت نشان می‌دهد که آنان سیم‌های تلفن و تلگراف را به سبب این که در زمان پیامبر نبوده پاره می‌کردند و استفاده از تلفن را بدعت می‌دانستند و صدایی که از تلفن شنیده می‌شد را صدای شیطان می‌دانستند!! «(۱)» ۲- وهابیان اگر کسی را سوار بر موتورسیکلت می‌دیدند، کتک می‌زدند. آن‌ها دوچرخه را ارابه‌ی شیطان یا اسب شیطان می‌نامیدند و استفاده از آن را بدعت می‌دانستند. معتقد بودند که این وسیله به نیروی

۱- این وقایع مربوط به اوایل قرن بیستم- قرن اتم و کامپیوتر- است. ر. ک. کتاب وهابیان: ۳۷۵-۳۷۷، تألیف آقای علی اصغر فقیهی.

ص: ۵۱

جادو و پای شیطان حرکت می‌کند!! «(۱)»

۳- ساعت شماطه‌دار، وسایل نقلیه و اتومبیل ... و حتی آسفالت جاده‌ها- به جرم این که بدعت است و در زمان حیات پیامبر نبوده است- به آتش کشیده می‌شد و تخریب می‌گردید!! «(۲)»

### و باز هم ... بدعت‌انگاری و مخالفت با اکثر مسلمانان در حکم فقهی دیگر: قسم به غیر خدا

از سخنان نادرست و وحدت‌شکن و هابیت، اعتقادی است که نتیجه‌ی آن، جز تفرقه، تهمت و بدبینی نیست:  
 من أنواع الشُّرک الأَصْغَر: الحلف بغير الله، كالحلف بالنَّبِيِّ و الكعبة و الامانة و نحو ذلك. «(۳)» از نمونه‌های شرک اصغر می‌توان قسم خوردن به غیر خدا را نام برد: مانند این که کسی به پیامبر، کعبه، امانت و مثل آن قسم بخورد.

### میزان صداقت و هابیان در اجماعی بودن برخی احکام

متأسفانه یک‌بار دیگر صحبت از اجماع می‌شود و هابیان از این که همه‌ی اهل علم، با نظرشان موافق‌اند، سخن به میان می‌آورند:

۱- کتاب و هابیان: ۳۷۶.

۲- همان: ۳۷۶-۳۷۸.

۳- التحقيق و الايضاح: ۸۲.

ص: ۵۲

... در جاهلیت، مشرکان به مخلوقاتی غیر از خدا قسم می‌خوردند؛ مانند کعبه، شرافت، پیامبر، ملائکه، بزرگان. پس این قسم‌ها به طور کلی جایز نیست و این مطلب اجماع اهل علم است. «(۱)» جایز نیست انسان به چیزی (غیر از خدا) قسم بخورد ... این قول اکثر اهل علم است. بلکه برخی گفته‌اند: این مطلب اجماعی است (و همه‌ی علما بر آن اتفاق نظر دارند). «(۲)»

چنان‌که دیدیم و هابیان ادعا کرده‌اند: «قسم به غیر خدا، طبق نظر همه‌ی مسلمانان حرام است» و این حکم را اجماع اهل اسلام و اهل علم می‌دانند! به راستی آیا از دیدگاه خود اهل تسنن - و بدون توجه به قول ائمه‌ی هدی: و شیعیان - این مسأله مورد اجماع است؟

الحنفیه: الحلف [بغیر الله تعالی] ان كان الغرض منه الوثيقه اى اتفاق الخصم بصدق الحالف جاز بدون كراهة ... وان لم يكن ... فإنه يكره. الشافعية: يكره الحلف بغیر الله تعالی ...

الحنابله: قالوا يحرم الحلف بغیر الله تعالی. «(۳)» اعتقاد حنفی‌ها: قسم خوردن [به غیر خداوند متعال] اگر قصد از این کار مطمئن کردن مخالف نسبت به راست گویی فرد قسم‌خورده است، این

۱- مجموع فتاوی ۱۱۶: ۲، تألیف عبدالعزیز بن عبداللہ بن باز.

۲- همان ۱۴۲: ۳.

۳- الفقه علی المذاهب الأربعة ۴۱۵: ۲.

ص: ۵۳

قسم خوردن جایز است و کراهتی ندارد ... اما اگر غیر این باشد [و قسم بی‌جهت و بی‌جا استفاده شود] کراهت دارد.

اعتقاد شافعی‌ها: قسم به غیر خدا کراهت دارد.

اعتقاد حنبلی‌ها: آن‌ها می‌گویند قسم به غیر خدا حرام است.

همان‌گونه که مشاهده کردید، قسم به غیر خدا، از دیدگاه دو فرقه‌ی اهل تسنن یعنی شافعی‌ها و حنفی‌ها در مواردی مباح است و در موارد دیگر اگر جایز نباشد، مکروه است و نه حرام.

امّا فرقه‌ی حنابله - که وهابیان در فقه هم‌سوی با آنان هستند - قسم به غیر خدا را مطلقاً حرام می‌دانند. در فقه، تفاوت معنای مباح، مکروه و حرام بر هر کسی روشن است.

بار دیگر این تذکر لازم است که «اعتقاد وهابی‌ها برای خود آنان قابل احترام و عمل است» ولی نکته‌ی مهم این جاست که: «آنان اعتقاد خود را به تمام مسلمانان نسبت می‌دهند و بی‌اعتقادان به آن را از حوزه‌ی اسلام خارج می‌دانند.» باز هم اگر سخن تا به این حدّ می‌رسید، قابل قبول می‌نمود؛ چه باید کرد که فتوای مسلمان‌کشی در پس این سخنان، جلوه‌های شوم چنین کلماتی را به تصویر می‌کشد؟ [\(۱\)](#)

۱- نمونه‌هایی از این خشونت‌ها در بخش «نتایج سخنان افسارگسیخته» مورد بررسی قرار گرفته است.









ص: ۵۷

## فصل چهارم

### مهدویت و تحریف حقایق

وجدان‌های آگاه نمی‌پسندند که به صرف دشمنی با یک اصل، حقایق پایمال شود و اساساً چرا باید عده‌ای در راستای مخالفت با شیعه، اعتقادات خویش را نیز زیر پا نهند؟

آیا می‌توان به وجود مهدی منتظر [اعتقاد داشت و در عین حال به صرف مخالفت با شیعیان آن را انکار کرد؟ آیا اصولاً در فرهنگ اسلامی - و نه شیعی - مهدویت قابل انکار است؟ آیا می‌شود معتقد به وجود مهدی آخرالزمان [بود و کتابی توزیع کرد که مهدویت را رد می‌کند؟

### مهدی موعود و منابع معتبر اهل تسنن

از مباحث اصیل و قابل پی‌گیری و تحقیق - حتی در مدارک معتبر و قدیمی سنن - موضوع مهدویت است. در «صحاح سته؛ کتب صحیح شش‌گانه» <sup>(۱)</sup> که معتبرترین کتب اهل تسنن است، به روشنی از مهدویت

۱- این کتب عبارت‌اند از: صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابن‌ماجه، سنن ابی‌داود، سنن ترمذی، سنن نسائی. زمان تألیف همگی این کتب قبل از قرن سوم هجری است.

ص: ۵۸

سخن رفته است.

**مهدویت و صحیح بخاری**

محمّد بن اسماعیل بخاری (۴۹۱-۲۵۶ هجری) در کتاب صحیح خود- که اهل تسنن این کتاب را برترین کتاب پس از قرآن می‌دانند- از زبان رسول اکرم (ص) چنین نقل می‌کند:

كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فَيَكُمُ وَاِمَامُكُمْ مِنْكُمْ. «(۱)» حال شما چگونه است آن‌گاه که پسر مریم بر شما فرود آید و امام [جهت نماز] از شما مسلمانان باشد. [و حضرت عیسی بدو اقتدا کند]؟

**مهدویت و صحیح مسلم**

مُسلِم بن حجاج نیشابوری (۲۰۴-۲۶۱ هجری) نیز در صحیح خود- که پس از صحیح بخاری معتبرترین کتاب نزد سنی‌ها است- علاوه بر اشاره به حدیث فوق «(۲)»، حدیث دیگری به نقل از صحابی مشهور جابر بن عبدالله انصاری آورده است. جابر می‌گوید:

شنیدم که پیامبر فرمودند: گروهی از امتم آشکارا تا روز قیامت بر اساس حق پیکار می‌کنند. آن‌گاه

۱- صحیح بخاری، کتاب احادیث الانبیاء، باب ۴۹: نزول عیسی بن مریم، حدیث شماره ۳۴۴۹.

۲- صحیح مسلم کتاب الایمان، باب ۷۱: نزول عیسی بن مریم، حدیث شماره ۲۴۶.

ص: ۵۹

فرمود: پس عیسی بن مریم فرود می‌آید، فرمانروای گروه (مسلمانان) گوید: بیا و برایمان نماز بگذار. او می‌گوید: نه! به درستی که بعضی از شما به پاس گرامیداشت این اُمّت، بر دیگران امیر هستید. [\(۱\)](#)»

### شاهان صحیح بخاری و مسلم، از مهدی (ع) می‌گویند

شرح کنندگان دو کتاب صحیح بخاری و مسلم، به روشنی حدیث‌های فوق را درباره‌ی حضرت مهدی [تفسیر کرده‌اند. برای مثال ابن حجر عسقلانی، از شرح کنندگان صحیح بخاری، در توضیح حدیث‌های این کتاب چنین می‌نویسد:  
قطعی و متواتر است که مهدی (ع) از این اُمّت است و همان کسی است که عیسی (ع) پشت سر او به نماز می‌ایستد.  
وی در ادامه می‌نویسد:

نماز خواندن عیسی (ع) پشت سر مردی از این اُمّت، با توجه به این که در آخرالزمان و نزدیک قیامت است، نشانه‌ی صحت و درستی گفته‌هایی است که گوید: به درستی زمین از قائمی برای خدا

---

۱- صحیح مسلم کتاب الایمان، باب ۷۱، حدیث شماره‌ی ۲۴۷.

ص: ۶۰

با حجت خالی نخواهد بود. «(۱)»

این مطلب که از قول عالم بزرگ سنی مذهب، «ابن حجر» نقل می‌شود، تأیید روشنی بر اعتقاد شیعه نسبت به «استمرار امامت» و «وجود امام غایب (ع)» است.

### مهدویت در سنن «۲» ابن ماجه، ابوداود و ترمذی

(۲)

ابن ماجه قزوینی (۹۲۰-۳۷۲ هجری) به حدیث مشهور «المهدی من ولد فاطمة»: «مهدی از فرزندان حضرت فاطمه [سلام الله علیها] است.» اشاره می‌کند. «(۳)» ابوداود سیستانی (۲۰۲-۵۷۲ هجری) در کتاب سنن خویش می‌نویسد: پیامبر فرمود: اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی بماند، خداوند آن روز را آن‌چنان طولانی می‌کند تا فردی از من (یا اهل بیت من) قیام کند، او هم اسم من است. «(۴)»

- ۱- فتح الباری فی شرح صحیح البخاری ۳۸۳: ۶-۳۸۵. هم‌چنین ر. ک. ارشاد الساری فی شرح صحیح البخاری ۴۱۹: ۵. در این کتاب تصریح دارد که حضرت عیسی ع در نماز به حضرت مهدی ع اقتدا می‌کند.
- ۲- نسائی فقط به احادیث فقهی اشاره می‌کند. در نتیجه، کتاب سنن نسائی درباره‌ی حضرت ولی عصر ع روایتی ندارد؛ به همین دلیل، سه کتاب دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد.
- ۳- سنن ابن ماجه، ج ۲، کتاب الفتن، باب خروج المهدی، حدیث ۴۰۸۶. وی در این باب به هفت حدیث اشاره می‌کند.
- ۴- سنن ابوداود، کتاب المهدی، ج ۴: ۱۰۶. وی در این فصل نیز هفت روایت را بررسی می‌کند.

ص: ۶۱

محمد بن عیسی ترمذی (۹۲۰-۷۹۲ هجری) نیز با اشاره به دوران طلایی حکمرانی آن حضرت می‌نویسد: فردی به نزد ایشان می‌آید و می‌گوید: ای مهدی [من نیازمندم] به من اعطا کن. به من اعطا کن. پس [آن وجود مقدس دستور می‌دهند] در دامانش تا آنجا که در توان اوست [سیم و زر] بریزند. «(۱)»

### مهدی موعود (ع) و وهابیان

جالب آن که اعتقاد به مهدی (ع)، چنان مستند و مستدل است که وهابیان نیز مجبور به قبول وجود آن منجی شده‌اند و حتی به اثبات وجود مهدی می‌پردازند.

ابن تیمیه (۶۶۱-۲۸۷ هجری) رهبر فکری وهابیت و پایه‌گذار اعتقادی این گروه افراطی می‌نویسد: روایاتی که به خروج مهدی اشاره می‌کند، احادیث صحیحی است ... مانند آنچه که از رسول خدا نقل گردیده است: «... اگر از عمر دنیا یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را آنقدر طولانی خواهد کرد تا این که مردی از من یا (به تعبیر روایت دیگر) از اهل بیت من قیام کند.» «(۲)»

- 
- ۱- سنن ترمذی، ج ۴، کتاب الفتن، باب ۵۲: ما جاء فی المهدی، حدیث ۲۲۳۲. در این باب سه حدیث بررسی شده است.
  - ۲- منهاج السنه ابن تیمیه ۲۱۱: ۴. این کتاب را ابن تیمیه در ردّ شیعیان نوشته است.

ص: ۶۲

حتی در این روزگار نیز رهبران فکری وهابیت، به ظهور آن ولی الهی (ع) اعتراف و اذعان دارند. مفتی بزرگ عربستان عبدالعزیز بن باز چنین می‌نویسد:

اما این که برخی از علمای عصر حاضر، وجود مهدی منتظر را به‌طور کلی انکار می‌کنند، قول باطلی است؛ چرا که احادیث دربارہی خروج (و ظهور) او در آخرالزمان و این که او زمین را از عدل و داد پُر می‌کند پس از آن که از ظلم و ستم پر شده است، احادیثی است که تواتر معنوی دارد و این روایات بسیار نقل شده است. [\(۱\)](#)

### انکار وجود حضرت مهدی (ع) و اتهام به آن وجود مقدس در کتاب‌های وهابیان

در سرزمین وحی، در اطراف مسجدالحرام و در کنار مسجد زیبای نبوی (ص)، همان وهابیانی که خود در اثبات وجود مهدی منتظر قلم‌فرسایی می‌کنند، به زبان فارسی و برای تضعیف اعتقاد شیعیان به وجود آن حجت الهی، کتابی چاپ و توزیع می‌کنند که نه تنها انکار مهدویت می‌نماید [\(۲\)](#)، بلکه آن حضرت را متهم

---

۱- . مجموع فتاوی و مقالات متبوعه ۵۷: ۴، عبدالعزیز بن باز.

۲- « اهل بیت از خود دفاع می‌کنند»: ۱۶۸ به زبان فارسی، مؤلف حسین موسوی، مترجم جواد منتظری. این کتاب از سال ۱۳۸۱ هجری شمسی در بین زائران بیت الله الحرام حرم نبوی صلی الله علیه و آله توزیع می‌شود.

ص: ۶۳

می‌کند که می‌خواهد پس از ظهور، قبله را از مکه به کوفه تغییر دهد!!

نویسنده‌ی این دروغ بزرگ و این اتهام زشت چنین نوشته است:

ما گمان می‌کردیم که امام قائم، مسجدالحرام را به حالت اصلی‌اش که در زمان رسول خدا بوده است بازخواهد گرداند ولی بعدها فهمیدیم که خیر منظور این است که آن را خراب می‌کند و با زمین هموار می‌نماید چون که قبله را به سوی کوفه تغییر جهت خواهد داد.

آن‌گاه به روایت زیر از امیرمؤمنان (ع) استناد کرده است:

فیض کاشانی روایت می‌کند: (یا أهل الکوفه) ای مردم کوفه خداوند کسی را به اندازه‌ی شما دوست ندارد لذا امتیازاتی را به شما اختصاص داده است (مصلاکم بیت آدم و بیت نوح و بیت ادريس و مصلی ابراهیم ...) مصلاى شما خانه آدم و خانه نوح و خانه ادريس و مصلای ابراهیم است (ولاتذهب الأیام حتی ینصب الحجر الأسود فیه) طولی نمی‌کشد که سرانجام حجرالأسود در آن نصب خواهد شد.

سپس اضافه می‌کند:

ص: ۶۴

بنابراین منتقل کردن حجرالأسود از مکه به کوفه و کوفه را مصلاى آدم و نوح و ادریس و ابراهیم دانستن، دلیل بر این است که پس از خراب کردن مسجدالحرام، کوفه قبله‌ی نماز تعیین خواهد شد.

### حقیقت ماجرا در ادعای واهی تغییر قبله

این که چگونه نویسنده‌ی کتاب از روایت امیرمؤمنان (ع) نتیجه گرفته «اعتقاد شیعیان این است که در زمان حضرت مهدی (ع) قبله از مکه به سوی کوفه تغییر خواهد کرد.» مشخص نیست.

امیرمؤمنان (ع) در این حدیث، نه تنها از تغییر قبله سخن نمی‌گوید، بلکه با اشاره به فضیلت مسجد کوفه و با استناد به دانشی که به تعلیم الهی و نبوی آموخته‌اند، بیان می‌فرمایند که این مسجد، منزل‌گاه و محلّ نماز پیامبران بزرگ الهی از جمله حضرت آدم، نوح، ادریس و ابراهیم: بوده است.

سپس با بهره‌گیری از گنجینه‌ی علم غیبی که خداوند در اختیار امیرمؤمنان (ع) نهاده، در مقام پیشگویی می‌فرماید: روزی حجرالأسود به کوفه خواهد آمد.

این واقعه نزدیک به سیصد سال بعد از آن حضرت، در زمان حکومت قرامطه در سال‌های ۳۱۷ تا ۳۳۰ ق اتفاق افتاد و اصولاً ربطی به حضرت مهدی [و زمان ظهور ندارد].



ص: ۶۵

تاریخ، این واقعه را چنین ثبت کرده است:

سلیمان بن حسن بن بہرام جنابی «ابوطاہر» پس از پدرش حسن در سال ۳۱۰ در بحرین، رھبری دولت قرامطہی اسماعیلیہ را بہ دست گرفت ... در سال ۳۱۶ و ۳۱ (ع) ابوطاہر سپاہ خود را بہ مکہ برد و کعبہ را غارت کردند و حجرالأسود را نیز با خود بردند. او در سال ۹۳۱ بہ کوفہ بازگشت و در آن جا پنجاہ روز مستقر شد. سپس ساحل بحرین را بہ تصرف درآورد و در سال ۳۳۰ حجرالأسود را بہ کوفہ آورد. «(۱)» جالب آن است کہ علامہ مجلسی پس از ذکر همان حدیث، چنین توضیح می‌دھد:

نصب حجرالأسود در مسجد کوفہ، در زمان قرامطہ اتفاق افتاد کہ کعبہ را خراب کردند و سنگ را بہ کوفہ انتقال دادند. «(۲)» پس از چندی نیز «حجرالأسود» بہ مکہ بازگردانده می‌شود و در مراسمی خاص، در جای خویش در زاویہی کعبہ قرار می‌گیرد. متأسفانہ نویسندہ بہ جای توجہ دادن مسلمانان بہ این خبر غیبی و استفادہ از آن در جہت معرفتی اولیای خدا- کہ همانا امیرمؤمنان و فرزندان ایشان علیہ السلام اند- با

۱- اسماعیلیہ و قرامطہ در تاریخ: ۱۰۴-۱۰۵، نویسندہ عارف تامر، تعلیق حمیرا زمردی، انتشارات حسابی.

۲- بحارالأنوار ۳۹۰: ۱۰۰، ذیل حدیث ۱۴.

ص: ۶۶

برداشتی کاملاً شخصی، از حدیث سوء استفاده می‌کند و حضرت مهدی (ع) را متهم می‌نماید که در صدد تغییر قبله خواهد بود.

### خلاصه‌ی سخن

- ۱- تغییر کلام و تحریف معنای حدیث امیرمؤمنان (ع) توسط نویسنده‌ی کتاب.
- ۲- متهم کردن امام زمان (ع) و موعود عدالت گستر جهان به اموری که واقعیت ندارد؛ مانند: تغییر قبله و نصب حجرالأسود در کوفه و تحریف حقایق.
- ۳- انتشار عقیده‌ای باطل با عنوان «دروغین بودن مهدی موعود» در بین زائران بیت الله الحرام و مسجد نبوی.
- ۴- انتشار عقیده‌ای باطل با آگاهی کامل از بطلان آن. چرا که وهابیان خود معتقد به وجود مهدی آخرالزمان [هستند اما کتابی را به رایگان توزیع می‌کنند که درباره‌ی «ردّ مهدویت» در آن، قلم فرسایی شده است. بسیار بجاست که از توزیع رایگان چنین کتبی آن هم در مکان‌های مقدس - مانند مکه و مدینه - جلوگیری به عمل آید که به یقین، رضایت الهی در این کار است.





ص: ۶۹

## فصل پنجم

### مسلمانان

#### جان مسلمانان محترم است

فطرت پاک خدادادی، جان و مال انسان‌ها را محترم می‌شمارد. با این نگاه، قطعاً حریم مسلمانان، جایگاهی به مراتب بالاتر خواهد داشت. دین اسلام که دینی فطری و بر نهاد پاک آدمی بنیان نهاده شده، بر این مهم اشاره دارد. دینی که «به خوبی‌ها امر و از بدها نهی می‌کند» به جان، مال و ناموس اهل اسلام، توجهی خاص و ویژه دارد. در این میان رفتار بزرگان دین با دشمنان خویش، بهترین گواه بر این مدعاست. جای بسی تأسف است که وهابیان همان‌گونه که در توحید، نبوت، امامت، ... از معانی اسلامی دور افتاده‌اند، ارزش مسلمانی را نیز درک نکرده‌اند. آن‌ها در این زمینه راهی برخلاف راه خدا، پیامبر (ص) و ائمه‌ی اطهار: طی می‌کنند. به نمونه‌های زیر که برای مقایسه‌ی مکتب اهل بیت: با روش وهابیت انتخاب شده است، دقت نمایید:

ص: ۷۰

## نمونه‌هایی از عطاوت اسلامی

## رأفت پیامبر اکرم (ص) بر قاتلان خویش

در ماجرای جنگ تبوک در سال نهم هجری در آن زمان که پیامبر (ص) در اوج قدرت بود و با فتح مکه، کلّ شبه جزیره عربستان را در اختیار داشت، گروهی از اصحاب ایشان به طمع رسیدن به مقام و حکومت، در راه بازگشت از منطقه تبوک، درصدد بودند در گردنه‌ی کوهی در بین مسیر، رسول خدا (ص) را ترور کرده و از بالای کوه به دره افکنند. «(۱)»

اما به لطف الهی این ترور، نافرجام ماند و منافقان شناسایی شدند؛ اما پیامبر (ص) که مظهر رحمت بر عالمیان است، از کشتن آن‌ها صرف نظر می‌کنند.

آن حضرت در این باره فرمودند:

[من آنان را نخواهم کشت زیرا] از این که مردمان بگویند محمد [ص] پس از آن که از جنگ با کافران [در بدر، احد و خندق و ...] آسوده شد، دست به قتل اصحابش زد، کراهت دارم. [و این رفتار، سیره‌ی پیامبران: نیست.]

اصحاب ایشان گفتند: ای رسول خدا این‌ها [منافقانند و] اصحاب نیستند! پیامبر (ص) فرمودند:

---

۱- این ماجرا در تاریخ به نام «ماجرای عقبه‌ی تبوک» و عاملان این خیانت به «اصحاب عقبه» مشهورند. برای بررسی بیشتر ر. ک: فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، ج ۲، فصل غزوه‌ی تبوک؛ تاریخ پیامبر اسلام: ۵۹۳، محمد ابراهیم آیتی.

ص: ۷۱

مگر به یگانگی خدا و رسالت من شهادت نمی‌دهند؟ اصحاب گفتند: آری. پس پیامبر (ص) فرمودند: [خداوند متعال] از قتل این افراد مرا نهی کرده است. «(۱)» چنین رفتاری از پیامبر (ص) در ماجرای فتح مکه نیز مشاهده شده است. ایشان پس از آن که این شهر را بدون خونریزی فتح کردند، امان عمومی دادند. مشرکان مکه قبل از هجرت با آزار فراوان رسول خدا (ص)، خاطر آن حضرت را مکدر و ناراحت می‌کردند و برخی حتی با ریختن زباله و فضولات حیوانات بر سر آن حضرت، ایشان را آزرده می‌ساختند. هم اینان سه سال پیامبر (ص) و دیگر مسلمانان را در شَعبِ ابی‌طالب - دره‌ای در اطراف مکه - در شرایطی سخت زندانی کردند. در هنگام هجرت نیز مشرکان، قصد کشتن پیامبر (ص) را کرده و در سال‌های بعد از هجرت، بارها به جنگ با پیامبر (ص) برخاستند. حتی در جنگ اُحُد آن حضرت را مجروح کردند و دندان ایشان را شکستند ... اما تمامی این جسارت‌ها سبب نگردید که پیامبر (ص) به هنگام قدرت، از ایشان انتقام بگیرد. آن حضرت فرمودند:

---

۱- مغازی واقدی ۱۰۴۲: ۳- ۱۰۴۴؛ تفسیر روح البیان ۴۶۷: ۳؛ سنن الکبری: بیهقی ۳۲: ۹- ۳۳؛ زاد المعاد ۸: ۳- ۹؛ الدر المنثور ۲۵۹: ۳- ۲۶۰؛ ابن کثیر، التفسیر ۱۲۲: ۴؛ تاریخ ۲۰: ۵؛ السیره ۳۶: ۴.

ص: ۷۲

به راستی که بد همسایگانی برای رسول خدا بودید؛ بروید که شما آزاد شدگان اید. «(۱)»

### باران رحمت حسینی (ع) بر حرّ بن یزید ریاحی

حرّ - فرماندهی سپاه ابن زیاد - که اولین بار راه را بر امام حسین (ع) بست و به یک معنا مسبب تمام حوادث بعدی در کربلا بود، آن هنگام که پشیمان گردید بلافاصله توبه‌اش از سوی امام پذیرفته شد و الگویی جاویدان برای گناه کاران گردید تا به هنگام ندامت به درگاه الهی اولیای خدا: پناه آورند.

وانحاز الحرّ بن یزید الذی کان جمع بالحسین إلى الحسین فقال له: قد کان منی الذی کان و قد أتیتک مواسیاً لک بنفسی، افتری ذلك لی توبه مّا کان منی؟

قال الحسین: نعم، إنّها لک توبه، فابشر، فأنت الحرّ فی الدنیا و أنت الحرّ فی الآخرة إن شاء الله. «(۲)» حرّ بن یزید که راه را بر امام حسین بسته بود، پیش آن حضرت آمد و گفت: همانا از من کاری

۱- تاریخ یعقوبی ۶۰: ۲، چاپ بیروت، ۱۳۷۹.

۲- اخبار الطّوال، دینوری م ۲۸۱: ۲۵۴؛ نعیة الطلب، ابن العدیم م ۶۶۰ ۶۶۲۸: ۶؛ الحسین بن علی، ابن العدیم: ۸۷. برای بررسی بیشتر ر. ک. موسوعه الامام الحسین ۳۸۸: ۳-۴۱۵، دفتر انتشارات کمک آموزشی.



ص: ۷۳

سر زد و اکنون آمده‌ام تا جان خود را فدای تو کنم. آیا معتقدی که این جانبازی موجب پذیرفته شدن توبه‌ی من خواهد بود؟  
 امام حسین فرمود: آری همین توبه‌ی تو است. بر تو مژده باد که تو به خواست خداوند در دنیا و آخرت آزادی. «(۱)»  
 آری، سیدالشهداء (ع) نه تنها جمله‌ای در نکوهش او نفرمودند، بلکه او را ستوده و بشارت دادند.

### وهابیان، مکه و مدینه را بستر تفرقه کرده‌اند

با کمال تأسف، وهابیان به جای قدم گذاردن در وادی اسلام و پیروی از اولیای الهی، هم‌چون خوارج شده‌اند و هر کس را که به اعتقاد آن‌ها معتقد نباشد با عنوان و برچسب «مشرک» «(۲)» می‌رانند و مال و جان او را- هر چند مسلمان باشد- هدررفته می‌دانند. دریغ که این پایان ماجرا نیست و معتقدند چنین مشرکانی باید از صفحه‌ی روزگار حذف گردند تا اسلامِ ظاهری وهابیان که روح عطوفت در کالبد آن نیست، ترویج گردد.

۱- ترجمه اخبار الطوال: ۳۰۲-۳۰۳.

۲- بسیاری افراد اعمال شرک آمیزی انجام می‌دهند که شرک آشکار نیست و آنان را از دین اسلام خارج نمی‌کند. برای مثال، هر گناه نمونه‌ی روشنی از این گونه شرک- شرک خفی- است. اما وهابیان دیگران را مشرک به شرک جلی و آشکار می‌دانند که مال، جان و ناموس چنین فردی از سوی آنان مباح و هدر رفته است.

ص: ۷۴

مشرک خواندن مسلمانان، دست‌مایه‌ی فتوهای فراوانی نزد وهابیت عربستان شده است. اینان با انتشار کتاب‌ها و جزوات، این عقیده‌ی مسموم را ترویج می‌کنند و خون چنین مشرکانی را مباح می‌شمارند. صد افسوس که در این کار - به زعم خویش - خود را مأجور نیز می‌بینند و مستحق پاداش و اجر اخروی می‌دانند.

### برجسی به نام شرک

«برای هیچ کس جایز نیست که از پیامبر (ص) نیازمندی‌های خویش را بخواهد ... و خواستن چنین اموری از پیامبر (ص) شرک است.» <sup>(۱)</sup> «عبدالعزیز بن عبدالله بن باز» بزرگ‌ترین مفتی عربستان (متوفای سال ۱۴۲۱ هـ - ق) توضیح بیشتری در این زمینه می‌دهد:

... و أشد من هذه المنكرات و أعظم منها: دعاء الأموات والاستغاثه منهم ... رجاء ان يشفعوا لداعيهم عندالله ... و هذا من الشُّرك

۱- راهنمای حج و عمره فارسی: ۸۸، ترجمه‌ی فضل ربی ممتاززاده. چاپ ۱۴۱۸ هـ - ق. این کتاب به زبان عربی و انگلیسی هم در اتمام حج به صورت رایگان توزیع می‌شود. چاپ بیست و پنجم به زبان عربی و چاپ بیست و سوم این کتاب به زبان انگلیسی در سال ۱۴۲۵ هـ - ق ۱۳۸۳ هجری شمسی و ۲۰۰۵ میلادی در مکه و مدینه توزیع شده است.

ص: ۷۵

الأکبر الذی حرّمه الله. «(۱)» و از شدیدترین زشتی‌ها و بزرگترین آن‌ها عبارت است از: خواندن مردگان و پناه بردن به آنان ... و امید به این که آن اموات [منظور اصلی رسول اکرم (ص)، ائمه‌ی بقیع: و شهدای احد هستند] نزد خدا ایشان را شفاعت کنند ... پس این شرک اکبر و بزرگ‌تر است که خداوند آن را حرام کرده است. «(۲)» و دست آخر همین عالم بزرگ و تأثیرگذار (عبدالعزیز بن‌باز) - که باید بفهمد چه می‌گوید و آن‌چه می‌گوید چه تأثیری خواهد داشت «(۳)» - حکم قتل این معتقدان به شرک اکبر «(۴)» (!!)) را صادر می‌کند:

- ۱- التحقیق و الايضاح عربی نوشته‌ی عبدالعزیز بن‌باز چاپ سی و دوم، سال ۱۴۲۱ هـ - ق. ناشر: ریاست اداره‌ی بحث‌های علمی و فتاوا؛ همین کتاب از طرف ناشر دیگر یعنی وزارت فرهنگ اسلامی و اوقاف عربستان چاپ بیست و دوم در سال ۱۴۲۵ بین حجاج توزیع گردید. این کتاب به زبان‌های اردو، بنگالی، انگلیسی و ... نیز چاپ شده است.
- ۲- این اعتقاد را حتی اهل تسنن نیز قبول ندارند و تنها وهابیان با پشتوانه‌ی پول نفت آن را ترویج می‌کنند. عالمان فراوانی از اهل تسنن در ردّ وهابیت کتاب نوشته‌اند. در این زمینه به «پی‌نوشت» انتهای کتاب مراجعه کنید.
- ۳- در تأثیر سخن این عالم همین بس که در حجّ واجب هر سال جزوات و کتب او به صورت میلیونی و رایگان به زبان‌های مختلف بین حجاج توزیع می‌شود و در مساجد کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس این کتاب‌ها به فراوانی وجود دارد.
- ۴- همان‌گونه که می‌دانیم عبدالعزیز بن‌باز این اعتقاد را از محمّد بن عبدالوّهّاب گرفته است. اولین کسانی که به محمّد بن عبدالوّهّاب اعتراض کردند پدر و برادرش بودند تا آن‌جا که سلیمان بن عبدالوّهّاب - یعنی برادر وی - دو کتاب در ردّ وهابیت نوشته است: «فصل الخطاب فی الرد علی محمّد بن عبدالوّهّاب» و «الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه». جالب آن است که در فصل اول کتاب اخیر، سلیمان برادر خویش را متهم کرده است که مسلمانان را کافر و مشرک می‌خواند.

ص: ۷۶

بر سلطان و حاکم واجب است آن کس را که به شرک اکبر شناخته می‌شود توبه دهد و اگر توبه کرد [که از شرک پاک شده است و مشکلی نیست] در غیر این صورت، باید کشته شود. «(۱)» با چنین دیدگاه، چه جایی برای وحدت مسلمانان باقی خواهد ماند!

### نتایج سخنان افسارگسیخته:

#### خشونت در پی خشونت

با کمال تأسف این فتوهای به ظاهر شرعی و افسارگسیخته که در مکه و مدینه- جایگاه اصلی وحدت تمامی مسلمانان جهان- منتشر می‌شود در گوشه و کنار جهان اسلام به صورت عملی نیز اجرا گردیده و می‌گردد. گروهک سپاه صحابه در پاکستان، القاعده و طالبان در افغانستان ... که با حمایت مادی و معنوی وهابیان تغذیه می‌شوند بر اساس چنین اعتقادات و بر مبنای

---

۱- فتاوی اللجنه الدائمۃ للبحوث العلمیة و الافتاء ۱: ۱۲۲، فتاوی ۶۲۰۸، زیر نظر عبد العزیز بن عبداللہ بن باز، چاپ ۱۴۱۱. هم چنین به صفحات ۱۱۱ و ۱۳۳ و ۱۳۴ همین کتاب مراجعه کنید.

ص: ۷۷

این گونه فتاوا به اعمالی دست زدند که با مشاهده‌ی آن، برای بینندگان، از اسلام جز ترور، قتل و جنایت مفهوم دیگری برداشت نمی‌شود.

جاوید پاراچه (یکی از رهبران سپاه صحابه): جوانان هوادار انجمن سپاه صحابه، باید هزینه‌ی ازدواج خود را صرف خرید سلاح کرده و با قتل شیعیان، به همسران آن‌ها دست یابند. هفته‌نامه‌ی کیهان هوایی ۱۷/۷/۷۰

حمله‌ی افراد مسلح به دو مسجد در کراچی و به شهادت رسیدن بیست نمازگزار شیعه ... روزنامه ایران ۸/۱۲/۷۳  
(در پاکستان) شش مهاجم (سپاه صحابه) سوار بر یک وانت، اجتماع حدود چهل شیعه را به رگبار بستند ... روزنامه ایران ۳۰/۵/۷۵

۷۵

دوازده تن از شیعیان کابل به بدترین وجه مُثله شدند. کیهان هوایی ۲۱/۳/۷۶

طالبان هم‌چنین غنیمت گرفتن زنان شیعه را نیز آزاد اعلام کرده است. روزنامه‌ی زن ۲/۶/۷۷

گروه طالبان پس از تصرف مزار شریف (از شهرهای شیعه‌نشین افغانستان)، تعداد زیادی زن و دختر جوان را از بین زنان و دختران انتخاب کرده و به عنوان کنیز به همراه خود برده و بقیه‌ی آنان را به شهرهای مختلف انتقال دادند. روزنامه‌ی قدس ۲۹/۶/۷۷

ملا محمّد عمر- رهبر طالبان- فتوایی صادر کرده است که کشتن شیعیان جنایت نیست؛ چون آن‌ها کافر هستند. روزنامه‌ی زن ۲۰/۷۷

۷۷/۸

ص: ۷۸

طالبان وارد حسینیتهای شیعیان شده، علم‌ها را شکستند و به مقدّسات توهین کردند. دست‌های شیعیان را با پارچه‌های سیاهی که حسینیته‌ها با آن پوشش داده شده بود بستند و سپس آنان را تیرباران کردند. هفته‌نامه‌ی عاشورا ۷۷/۷/۱۹ با برچیده شدن پایگاه و هابیت در پاکستان و افغانستان، اینک این خشونت‌ها در عراق و اردن و ... پی‌گیری می‌شود و هر روز شاهد حمله‌ی گروه‌های افراطی و هابیبی تحت رهبری امثال اسامه بن لادن، ایمن الظواهری، ابو مؤصّب زرقاوی و دیگر رؤسای بلندپایه‌ی القاعده هستیم که حتّی به برادران اهل تسنّن نیز رحم نمی‌کنند و با حملات انتحاری، انسان‌های بی‌گناه و مسلمان و به خصوص زائران حرم مطهر ائمه‌ی هدی، نمازگزاران مساجد و اجتماع شیعیان را در عزاداری‌ها و مراسم مذهبی به خاک و خون می‌کشند.

به راستی با چنین طرز تفکّر و رفتاری، آیا از مسلمانی نشانی باقی خواهد ماند؟

آیا فطرت‌های پاک، با این نحوه‌ی برخورد به سوی اسلام گرایش پیدا می‌کنند؟ آیا حج که جایگاه وحدت است - با ترویج چنین عقاید و کتبی - پایگاه تفرقه نخواهد شد؟

### تحریر معنای اجماع مسلمانان و دروغی بزرگ برای مباح کردن خون مسلمانان

طرز فکر اشتباه، یک خطا است؛ امّا دروغ پراکنی برای اثبات این طرز فکر اشتباه، خطای بزرگتری است. به ویژه که بار دیگر مدّعیان این ادّعی کذب، نظر خود را نظر همه‌ی مسلمانان بدانند که در این صورت، تمام اهل اسلام را آلوده به آن اعتقاد باطل جلوه می‌دهند.

این رفتار از سوی سیاستمداران و کسانی که هدف را توجیه‌گر وسیله می‌دانند، به خوبی اعمال می‌شود. جالب است بدانید «گوبلز» وزیر تبلیغات هیتلر برای گسترش عقاید جنگ‌طلبانه‌ی خویش و دیگر رهبران آلمان نازی می‌گفت: «دروغ هرچه بزرگ‌تر باشد و در سطح وسیع‌تری پخش گردد، راحت‌تر پذیرفته می‌شود.» گویا وهابیان به جای پیروی از رهبران اسلام و اولیای الهی، امثال گوبلز را الگو قرار داده‌اند و از این ترفند بهره گرفته‌اند!

آنها نه تنها دروغ‌سازی می‌کنند بلکه آن دروغ را به تمامی مسلمانان و عالمان دین اسلام نسبت می‌دهند و آن را اجماع مسلمانان قلمداد می‌کنند. در یکی از کتاب‌هایی که در ایام حج توزیع می‌شود، چنین آمده است:  
کسی که بین خود و خداوند متعال واسطه‌ها قرار

ص: ۸۰

دهد ... و از آن‌ها شفاعت خواسته ... به اجماع امت کافر می‌شود. «(۱)» باز در کتاب دیگری چنین می‌نویسند: کسی که بین خود و بین خدا واسطه قرار دهد ... و از او شفاعت بطلد ... چنین اشخاصی، اجماع علما و دانشمندان اسلام بر کفر آنان است. «(۲)» چنان که می‌بینیم و هابیان ادعا می‌کنند: «شفاعت خواهی نزد بارگاه اولیای الهی و حتی شخص رسول خدا و ائمه‌ی بقیع، شرک اکبر است و چنین عملی از هر فردی سر بزند، به اجماع دانشمندان مسلمان و امت اسلام کافر خواهد شد.» این که اجماع یاد شده در کجا تحقق یافته روشن نیست؛ چرا که اولاً میلیون‌ها شیعه جزو امت اسلام هستند و معتقدند نه تنها توسل به نبی مکرم اسلام و شفاعت خواهی از او شرک اکبر نیست، بلکه از بهترین اعمالی است که یک زائر می‌تواند در سفر حج انجام دهد که در کمال تأسف این مطلب، در کتبی که به رایگان در سفرهای حج و عمره توزیع می‌شود، مورد تخطئه قرار گرفته است. مطالب چنین کتاب‌هایی نه

۱- راهنمای حج و عمره: ۸۸.

۲- نواقض اسلام فارسی: ۷-۸، نوشته‌ی عبدالعزیز بن باز، ترجمه‌ی اسحاق بن عبدالله دبیری العوضی، سال ۱۴۲۱ ه- ق. این کتاب به زبان‌های گوناگون از جمله فارسی و عربی در ایام حج در عربستان توزیع می‌شود.



ص: ۸۱

تنها با اعتقاد شیعیان ناسازگار است بلکه با چهار فرقه‌ی اهل تسنن نیز سنخیت ندارد. در این خصوص به بررسی دیدگاه مذاهب چهارگانه‌ی سنن می‌پردازیم:

### زیارت و شفاعت:

#### اختلاف دیدگاه اهل تسنن با وهابیان

برخلاف آنچه وهابیان ادعا کرده‌اند، زیارت پیامبر (ص) و شفاعت خواهی از آن وجود مقدس، مورد قبول و احترام تمامی اهل تسنن است.

در این باره، در کتابی که فقه مذاهب چهارگانه‌ی سنن را مقایسه کرده است، چنین می‌خوانیم:

لا ريب في ان زيارة قبر المصطفى من أعظم القرب و أجلها شأناً... فيقف عند رأسه الشريف مستقبل القبلة... ثم يقول: السّلام عليك يا نبي الله و رحمة الله و بركاته أشهد أنّك رسول الله... و يبلغه سلام من أوصاه فيقول: السّلام عليك يا رسول الله من فلان بن فلان يستشفع بك إلى ربك فاشفع له و لجميع المسلمين. (۱)

۱- الفقه على المذاهب الأربعة ۳۶۵: ۱-۳۶۶، تأليف عبدالرحمان الجزيري، چاپ دارالكتب العلميه بيروت. در این کتاب فقه چهار مذهب فقهی سنن حنفی، حنبلی، شافعی و مالکی مورد بررسی قرار گرفته و مقایسه شده است. مطلب بالا مورد اتفاق چهار مذهب سنن است.

ص: ۸۲

شک نیست که زیارت قبر (رسول خدا) حضرت محمد مصطفی [ (ص) ] از بزرگ‌ترین راه‌های نزدیکی به رحمت خداوند است و شأن این زیارت نیز بسیار والاست ... پس در بالای سر مبارک رو به قبله بایست ... و بگو: شهادت می‌دهم که تو رسول خدایی ... و سلام هر کس را که به تو سفارش کرده است برسان و بگو: سلام بر تو ای رسول خدا از فلان پسر فلان که از تو طلب شفاعت می‌کند به سوی پروردگارت؛ پس او را شفاعت کن و تمام مسلمانان را نیز شفاعت نما.

این اعتقاد، اعتقاد عموم اهل تسنن است. قاضی عیاض از علمای سنی می‌نویسد:

مالک بن انس، بزرگ مالکیان در پاسخ خلیفه‌ی عباسی که سؤال کرده بود: [برای حاجت‌خواهی] رو به قبله کنم یا رو به سوی رسول خدا آورم؟ گفت: رو به سوی رسول خدا کن و از او شفاعت بخواه تا خدا تو را شفاعت کند [مگر نشنیده‌ای که] خداوند می‌فرماید: «ای پیامبر، اگر آنان که به گناه بر خود ستم کردند، به نزد تو می‌آیند که برای آنان از خدا طلب بخشش کنی و تو بر ایشان استغفار می‌کردی، به تحقیق که خداوند را پذیرنده‌ی توبه و مهربان می‌یافتند» (۱). «(۲)»

شربلالی حنفی در کتاب خویش «مراقی» در

۱- نساء: ۶۴.

۲- الغدير ۱۳۵: ۵.

ص: ۸۳

زیارت رسول خدا (ص) این گونه سفارش می‌کند:

سلام بر تو ای آقای من، ای رسول خدا، سلام بر تو ای نبی الهی ... من از راه دور آمده‌ام به قصد زیارت تو برای این که به شفاعت شما نائل شوم ... «(۱)» عَدُوِّ حَمَزَاوِی مَالِکِی در همین زمینه می‌گوید:

بهترین آنچه در این مکان شریف می‌توان گفت، چنین است: ای رسول خدا، ما میهمان و زائرین تو هستیم. به نزد تو آمدیم برای این که حقّ تو را به‌جای آوریم و با زیارتت متبرّک شویم و از تو طلب شفاعت کنیم؛ از آنچه که پشت ما را خمیده است و قلبمان را تاریک کرده است. «(۲)» نمونه‌هایی این چنین در مدارک سنّیان به فراوانی یافت می‌شود و نشان می‌دهد که اهل تسنّن توسّل و شفاعت را از اعتقادهای راستین می‌شمرند و بر این نکته اجماع دارند.

\*\*\*

از کسانی که خود را «خادمُ الحَرَمِینِ الشَّرِیفِینِ؛ خدمت گزار دو حرم شریف» می‌دانند، انتظار می‌رود که اگر مسلمانی را دشمن خویش می‌دانند، حدّ اقلّ انصاف و حق‌مداری را درباره‌ی او رعایت کنند و با استدلال منطقی و قرآنی به نقد آنان بپردازند. احترام

۱- . الغدیر، ج ۱۳۹: ۵.

۲- همان: ۱۴۱، به نقل از کنز المطالب: ۲۱۶.

ص: ۸۴

صاحب کعبه ایجاب می‌کند که از نشر سخنان غیر واقعی، آن هم علیه گروهی از مسلمانان خودداری شود و با عناوینی مانند شرک و کفر، مسلمانان و به خصوص شیعیان متهم نشوند.

### خلاصه‌ی سخن

- ۱- توسل و واسطه قرار دادن نبی مکرم اسلام و شفاعت خواهی از اولیای الهی، اعتقادِ عموم شیعه و اهل تسنن است و تنها وهابیان با این اعتقاد مخالف‌اند.
- ۲- وهابیان توسل و شفاعت را شرک اکبر می‌دانند و ادعا می‌کنند که این اعتقادِ غلط، اعتقادِ تمامی مسلمانان است؛ در حالی که این ادعا مخصوص آنهاست و نه کس دیگر.
- ۳- وهابیان دو اصل مهم توسل و شفاعت را که از ارکان اسلام است قبول ندارند و معنای اجماع و اجتماع مسلمانان را تحریف کرده‌اند.
- ۴- آنان این اعتقادات را در تیراژ میلیونی به رایگان در بین زائران منتشر می‌کنند.

### تحریف معنای «تمامی مسلمانان»

چنان‌که دیدیم وهابیان عقایدی را در کتب خویش به اجماع- تمامی مسلمانان- نسبت می‌دهند که تنها خود به آن معتقدند؛ گویی آنان هیچ ارزشی برای سایر مسلمانان قائل نیستند. این ترفند در زمینه‌ی احکام نیز

ص: ۸۵

به کار گرفته شده است. به نمونه‌ای کوتاه توجه کنید:

کتاب آموزش نماز در سال ۱۳۸۳ به زبان فارسی بین حجاج توزیع شده است. نویسنده در مقدمه چنین می‌نویسد:  
 لازم دانستم مسائل مهمی که بر هر مسلمان واجب است آن را انجام دهد، با ارائه‌ی دلایل شرعی از قرآن کریم و سنت رسول الله جمع‌آوری کنم و مسائلی که در آن اختلاف وجود دارد ... ترک کنم. [\(۱\)](#) اما نویسنده در توضیح چگونگی وضوگرفتن، مطالبی را به عنوان واجبات وضو می‌آورد که حتی اهل تسنن نیز آن را واجب نمی‌دانند. ایشان می‌نویسد:  
 اموری که مراعات آن در وقت وضو واجب است:

شستن صورت که مضمضه و استنشاق نیز جزو [شستن] صورت شمرده می‌شوند. یعنی شست و شوی دهان و بینی به وسیله‌ی داخل کردن آب در آنها.

مسح کردن تمامی سر، که گوش‌ها نیز جزو آن است. [\(۲\)](#) شیعیان می‌دانند که ائمه: چنین وضویی را سفارش نکرده‌اند. در عین حال نظر اکثر بزرگان اهل تسنن نیز برخلاف مدّعی فوق است. در کتاب «الفقه

۱- آموزش نماز: ۵، تألیف دکتر عبدالله بن احمد بن علی الزید، ترجمه‌ی اسحاق بن عبدالله دبیری العوضی، چاپ اول، ۱۴۲۵ هـ- ق.

۲- همان: ۲۹ و ۳۰.

ص: ۸۶

علی المذاهب الأربعة» که نظر علمای چهار فرقه‌ی سنّیان را بررسی کرده است، چنین می‌خوانیم:

الحنابله قالوا: فرائض الوضوء سنّة: الأوّل غسل الوجه ... أنّهم خالفوا جميع الأئمّة في داخل الفم و الأنف. <sup>(۱)</sup> «حنبلیان می‌گویند: واجبات وضو شش مورد است. اوّل شستن صورت [که مضمضه و استنشاق نیز جزو این شست‌وشو، واجب است] ... آنان در این مسأله که شستن داخل دهان و بینی واجب است با دیگر امامان [سنّی] مخالف‌اند.

همان‌گونه که می‌بینیم تنها وهابیان که در فقه از احمد بن حنبل تبعیت می‌کنند چنین نظری دارند و دیگر سنّیان - که پیرو مالک، شافعی و ابوحنیفه هستند - در این مسأله با حنابله اختلاف نظر دارند. پس چنین نظری نه تنها بر هر مسلمانی واجب نیست، بلکه برای اهل تسنّن هم ضرورتی نخواهد داشت. فتوای شیعیان نیز در این مورد محترم است و جایگاه خود را دارد.

هم‌چنین در مدرکی که پیش از این گذشت، نویسنده مسح تمامی سر و گوش‌ها را از واجبات وضو می‌داند. این قول، سخن تمامی مسلمانان نیست تا نویسنده آن را بر هر مسلمان واجب بداند و آن را نظر عموم مسلمانان و اجماع آنان اعلام کند. در یکی از

---

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة ۳۷: ۱.

ص: ۸۷

مدارک سنن چنین می‌خوانیم:

علما همگی مسح سر را از واجبات وضو می‌دانند؛ اما در مقدار مسح با هم اختلاف دارند. مالک مسح تمامی سر را واجب می‌داند. شافعی و بعضی از پیروان مالک و ابوحنیفه، مسح قسمتی از سر را واجب می‌دانند. برخی دیگر از اصحاب مالک، مسح یک‌سوم سر را و برخی دو سوم را واجب می‌دانند. اما ابوحنیفه مسح یک چهارم را نیز کافی می‌داند. «(۱)» در کتاب دیگری، نویسنده پس از بررسی سخنان پیشوایان چهارگانه‌ی اهل تسنن می‌نویسد:

... امّا گوش‌ها، پس مسح آنان واجب نیست؛ زیرا گوش از قسمت‌های سر محسوب نمی‌شود و این مطلب مورد اتفاق همگان [و

امامان سه‌گانه‌ی سنن] است. جز حنابله که می‌گویند: گوش از جمله‌ی سر است «(۲)» [و باید همراه سر مسح شود].

روشن است که نویسنده‌ی کتاب آموزش نماز، از یک سو نظر احمد حنبل را ترویج می‌کند و از سوی دیگر در مقدمه‌ی کتاب ادّعا کرده مسائل اختلافی را ترک کرده است، وی در قسمت‌های مختلف کتاب خویش و در مسائل مورد اختلاف، نظری را بیان

۱- شرح بدایة المجتهد و نهایة المقتصد ۳۷: ۱، قاضی ابوالولید محمّد بن احمد بن رشد القرطبی الاندلسی، ناشر دارالسلام.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة ۳۶: ۱.

ص: ۸۸

می‌کند که دیگران طبق مذهب خودشان، اجازه‌ی انجام آن را ندارند. عمل به این فتوا برای کسانی که پیرو احمد حنبل نیستند، می‌تواند باعث ابطال وضو و در نتیجه باطل شدن نماز در مکه و مدینه باشد.

### شیعه ستیزی، چرا؟

دشمن اصلی وحدت، اُتْهام است. یعنی متهم کردن دیگران به اموری که روح و جانشان از آن آگاه نیست. وهابیت که روابط نزدیک آن‌ها با انگلیس و امثال لورنس عربستان، فیلی و همفر- جاسوس انگلیسی «(۱)» تامس ادوارد لورنس ۱۸۸۸-۱۹۳۵ مشهور به لورنس عربستان و شاهزاده‌ی مکه، شخصیتی است که به همت امثال او کشور عربستان به نام یک قبیله- آل سعود (۲)»- غیرقابل کتمان است، با هدف ایجاد تفرقه

۱- تامس ادوارد لورنس ۱۸۸۸-۱۹۳۵ مشهور به لورنس عربستان و شاهزاده‌ی مکه، شخصیتی است که به همت امثال او کشور عربستان به نام یک قبیله- آل سعود- سند خورد و عربستان سعودی نام گرفت. فعالیت لورنس به حدی برای استعمار پیر انگلیس با اهمیت بود که وینسون چرچیل- نخست وزیر مشهور انگلیس- در مراسم تشییع جنازه‌اش گریست، او را یکی از بزرگ‌ترین انسان‌های عصر حاضر خواند و پیش‌بینی کرد که به‌رغم نیازی که به چنین افرادی داریم هرگز مانند او را نخواهیم یافت.

مجسمه‌ی نیم‌تنه‌ی او در کلیسای سنت پل `luaP.ts` قرار دارد و خانه‌اش در کلودز هیل

۲- سند خورد و عربستان سعودی نام گرفت. فعالیت لورنس به حدی برای استعمار پیر انگلیس با اهمیت بود که وینسون چرچیل- نخست وزیر مشهور انگلیس- در مراسم تشییع جنازه‌اش گریست، او را یکی از بزرگ‌ترین انسان‌های عصر حاضر خواند و پیش‌بینی کرد که به‌رغم نیازی که به چنین افرادی داریم هرگز مانند او را نخواهیم یافت.



ص: ۸۹

به تمامی گروه‌های مسلمان، بر چسب انحراف می‌زنند و طبیعی است که در این ماجرا، سهم شیعیان به جهت پای‌بندی آنان به اسلام راستین، بیش از دیگران باشد.

### شیعه را همانند یهود و نصارا دانستن

وہائیت عربستان- که خود را نماینده‌ی تمام اهل تسنن قلمداد کرده و به جای تحکیم وحدت در پی تشدید تفرقه است- می‌نویسد: التقرب بین الرافضه و بین أهل السنۃ غیر ممکن ... كما أنه لا يمكن الجمع بين اليهود و النصارى ... «(۱) مجسمه‌ی نیم‌تنه‌ی او در کلیسای سنت پل luaP. ts قرار دارد و خانه‌اش در کلودز هیل (۲)» تقریب بین رافضه «(۳)» و اهل تسنن غیر ممکن است ... به همان صورت که تقریب بین یهودی و نصارا معنا ندارد.

### کافر خواندن شیعیان

ای کاش کار به این جا ختم می‌شد که شیعیان را با یهود و نصارا مقایسه کنند. رؤسای وہائیت در پاسخ

۱- مجسمه‌ی نیم‌تنه‌ی او در کلیسای سنت پل luaP. ts قرار دارد و خانه‌اش در کلودز هیل

۲- . مجموع فتاوی ۱۵۶: ۵، عبدالعزیز بن عبداللہ بن باز.

۳- رافضه به معنای جدا شده و خارج‌شده‌ی از دین است و این اتهامی است که دشمنان به شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام نسبت می‌دهند.

ص: ۹۰

سؤالی، چنین فتوا می‌دهند:

إذا كان الأمر كما ذكر السائل من أن الجماعة الذين لديه من الجعفرية يدعون علياً و الحسن و الحسين و سادتهم، فهم مشركون، مرتدون عن الاسلام، لا يحل الأكل من ذبائحهم، لأنها ميتة ولو ذكروا عليها اسم الله. «(۱)» اگر مطلب همان است که سؤال کننده می‌گوید (یعنی) گروهی در اطراف او از فرقه‌ی جعفری (و مذهب شیعه) زندگی می‌کنند که علی، حسن، حسین و بزرگان (و اولیای الهی خویش) را می‌خوانند، پس این افراد مشرک بوده و از اسلام خارج شده‌اند و خوردن گوشت ذبح شده توسط آنها حلال نیست؛ چرا که (حکم آن، حکم) مردار است، حتی اگر اسم خدا بر آن جاری شده باشد!!

... من دعائهم علیاً و الحسن و الحسين و نحوهم فهم مشرکون شرکاً أكبر یخرج من ملّة الاسلام، فلا یحل أن نزوجهم المسلمات و لا یحلّ لنا أن نتزوج من نسائهم ... «و لا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ یُؤْمِنَ» «(۲)». «(۳)»

۱- فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة و الافتاء ۲۶۴: ۲، فتواى شماره‌ی ۱۶۶۱، زیر نظر عبدالعزیز بن عبداللّه بن باز.

۲- بقره: ۲۲۱.

۳- فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة و الافتاء ۲۶۴: ۲- ۲۶۵، فتواى شماره‌ی ۳۰۰۸.

ص: ۹۱

... و کسانی که علی و حسن و حسین را می‌خوانند پس آن‌ها آلوده به شرک اکبر و بزرگ‌تر محسوب می‌شوند و از جمع مسلمانان خارج می‌گردند. در نتیجه ازدواج زنان مسلمان (با مردان آن‌ها) جایز نیست و حلال نیست که از زنان (شیعه) همسرگزیند (چرا که آیه می‌فرماید: «و با زنان مشرک ازدواج نکنید تا مؤمن شوند»).

با چنین عقایدی که در کتاب‌های گوناگون چاپ و منتشر می‌گردد، آیا آرزوی وحدت، خیالی واهی نخواهد بود و امید یک‌دلی و هم‌دلی به سرایی بی‌ارزش، بدل نخواهد گردید؟

در جهانی که پیوسته سخن از اتحاد می‌رود و کشورها با عقاید گوناگون و زبان‌های مختلف، برای رسیدن به قدرت بیشتر دست به اتحاد می‌زنند، آیا الگویی اسلامی برای این امر وجود ندارد؟ به زعم وهابیان آیا به راستی مسلمانان - همانند جامعه‌ی اروپا یا کشورهای آسیای جنوب شرقی - نمی‌توانند با یکدیگر متحد شوند؟ به راستی نمی‌توان به جای لغات مشرک و کافر از واژگان دیگری برای کسانی که کتاب، قبله و پیامبر مشترکی دارند، استفاده کرد؟

### اتهام‌های خنده‌آور به شیعه

فردی که کارش اتهام به این و آن است، به جهت دوری از حق و حقیقت، گاهی به دامان سخنان

ص: ۹۲

مضحک و حکایات فکاهی می‌افتد.

و هابیان امروز- به پیروی از ابن تیمیه حرّانی (متوفای ۷۲۸ هـ)- به سخنان عجیب و غریبی روی می‌آورند و از شدت دشمنی، گویی نمی‌فهمند چه می‌گویند و کار به سخنان سخیف و خنده آور منتهی می‌شود. آن‌جا که رهبر یک گروه- ابن تیمیه- به این آتهامات واهی متوسّل شود، تکلیف پیروان او معلوم است.

### آتهامی خنده آور از ابن تیمیه

او می‌نویسد:

از حماقت‌های شیعه آن است که آنان از گفتن عدد «۱۰» کراحت دارند و برای خانه‌ی خویش [به جهت بد بودن با لفظ ۱۰] ده ستون درست نمی‌کنند و [یا در باغ و مزارعشان] ده درخت نمی‌کارند ... و از عجایب است که شیعیان لفظ «۹» را دوست دارند. «(۱)» وی حتی در جلد بعد کتابش ادعا می‌کند:

از تعصب شیعیان این است که آن‌ها نمی‌گویند: «۱۰» بلکه می‌گویند: «۹ و ۱». «(۲)» این سخنان عجیب و آتهام‌های ناب‌جا، امروزه نیز

۱- منهاج السنّه ۹: ۱.

۲- همان ۱۴۳: ۲.

ص: ۹۳

پی‌گیری می‌شود.

### آتهام‌های فکاهی و ترفندهای امروزی

چند سالی است که کتابی به زبان فارسی بین حاجیان توزیع می‌شود که در آن ادعا شده است: هنوز بعضی شیعیان معتقدند که اهل سنت دُم دارند. <sup>(۱)</sup> جای بسی تعجب است که چنین جملاتی در کتبی که اسم «تحقیق نو» و «بررسی‌های جدید» را یدک می‌کشد، خودنمایی می‌کند. به نظر می‌رسد تفرقه‌افکنان و هابی به جای بررسی متون کتب والای شیعی و مراجعه به منابع اصیل تشیع برای شناسایی این فرقه‌ی ناجیه، به تماشای فیلم‌های هالیوودی و خواندن رمان‌های تخیلی مانند «هری پاتر» و «ارباب حلقه‌ها» مشغول‌اند که چنین جملات خنده‌آوری را به شیعه نسبت می‌دهند. همان نویسنده در راستای ایجاد تفرقه ادعا کرده است:

اگر کسی [از شیعیان] خواسته باشد یکی را دشنام دهد و خشم خودش را بر او فرونشاند، می‌گوید:

---

۱- اهل بیت از خود دفاع می‌کنند: ۱۴۲، مؤلف دکتر حسین موسوی، مترجم جواد منتظری، بهار ۱۳۸۱. این کتاب، به صورت رایگان بین حجاج توزیع می‌شود.

ص: ۹۴

استخوان سنی در گور پدرت باد و از این قبیل حرف‌ها. «(۱)» و باز برای تفرقه‌ی بیشتر، شیعیان را متهم می‌کند که اهل سنت را نجس می‌دانند؛ آن‌گاه خود را شیعه و مرجع تقلید و عالمی بزرگ در نجف جا می‌زند و داستان زیر را از قول پدر شیعه‌ی خود حکایت می‌کند که:

پدرم دستور داد رختخواب [مهمان سنی] را بسوزانند و ظرف‌هایی که در آن‌ها غذا خورد خوب بشویند چون شیعیان معتقدند که سنی به حدی نجس است که اگر هزار بار هم شست‌وشو داده شود، پاک نمی‌شود. «(۲)» جای شکر باقی است که پدر مؤلف به شکستن و چال کردن ظروف غذایی که آن سنی از آن‌ها استفاده کرده بود، دستور نداده است و امر نکرده که خاکستر رختخواب را به باد دهند و زمینی که رختخواب بر آن قرار داشته را خاک برداری کنند! و داستان‌پردازی

- ۱- مدرک قبل، هم‌چنین رجوع کنید به صفحات ۳۷، ۴۹، ۵۰، ۵۵، ۵۷، ۶۱، ۶۷، ۸۳، ۹۱، ۹۶، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۳۱، ۱۴۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۶، ۱۷۷ همان کتاب تا به میزان حق‌جویی و حقل‌طلبی نویسنده و مترجم پی ببرید. نویسنده‌ای که سن او بین ۷۹ تا ۲۱۰ سال در نوسان است و علی‌رغم این که خود را مرجع تقلید و عالم ۹۰ ساله معرفی می‌کند اسم امامان شیعه را نیز بلد نیست!! ر.ک. کتاب دفاع از اهل بیت رسول خدا، روش‌شناسی شبهه‌پراکنی در کتاب «اهل بیت از خود دفاع می‌کنند».
- ۲- همان: ۱۴۲ و ۱۴۳.

ص: ۹۵

نویسنده، در حدّ شکستن ظروف و آتش‌زدن رختخواب به پایان رسیده است!!

در هیچ رساله‌ی فارسی یا عربی موجود- که اینک در دست همگان است- برادران سنی مذهب، نجس محسوب نمی‌شوند، چه برسد به این که رختخواب مورد استفاده‌ی او به آتش کشیده شود یا ظروف غذای او به این شکل افراطی شست‌وشو گردد! به این ترویج کنندگان تفرقه- که نمی‌خواهند وحدت بین شیعه و سنی را ببینند- پیشنهاد می‌کنیم، قبل از نوشتن یک کتاب، اگر وقت بررسی کتاب‌های شیعیان را ندارند، حداقل در کوچه و بازار مناطق شیعه‌نشین قدم بزنند تا تحقیقات آنان از استحکام بیشتری برخوردار باشد!

### هر دم از این باغ بری می‌رسد

از سال ۸۵ شمسی کتاب‌های فراوانی به زبان فارسی به رایگان در اختیار زائران مکه و مدینه قرار می‌گیرد.

در یکی از این کتاب‌ها نویسنده ادّعا می‌کند:

دانش‌جوی رشته‌ی پزشکی دانشگاه شهید بهشتی در تهران بوده و در عین حال در درس‌های حوزوی و در کلاس‌های خارج فقه در قم نیز شرکت داشته است. وی در هر دو زمینه با موفقیت و پشتکار فعالیت می‌کند تا آن‌جا که «آقای

ص: ۹۶

وحید خراسانی» او را برای تبلیغ به مناطق سنی نشین می‌فرستند. وی مدّعی است با این که در خانواده‌ای شیعی رشد و نمو یافته است، پس از آشنایی با منابع سنی، به مذهب آنان گرایش پیدا کرده و در نهایت وهابیت را انتخاب می‌کند. <sup>(۱)</sup> این نویسنده‌ی دانش‌پژوه که کتابش بیشتر شبیه به قصّه و رمان است تا یک کتاب علمی، در کل کتاب ۲۰۰ صفحه‌ای خود، تنها در یک‌جا نام یک کتاب و نویسنده‌اش را می‌آورد!

«نهج البلاغه»

و در کمال تعجب نام نویسنده را «شیخ رضی ملعون» معرفی می‌کند و ادّعا می‌کند که چندین هزار حدیث دروغی را در نهج البلاغه جعل کرده است!! <sup>(۲)</sup> عجیب است شخصی که خود را با عنوان «حجّه الاسلام» بر روی جلد کتاب معرفی کرده و تحصیلات دانشگاهی دارد و در کلاس‌های خارجِ فقه مراجع بزرگوار قم شرکت می‌کند، نمی‌داند که نهج البلاغه تألیف «سید رضی» است و نه «شیخ رضی» و نمی‌داند که این کتاب مورد قبول سنی و شیعه است تا آن‌جا که برخی از اهل تسنن بر نهج البلاغه شرح نوشته‌اند. ... و یا در کتاب دیگری باز هم فردی که ادّعا می‌کند شیعه بوده و در نهایت وهابی شده است،

۱- چگونه هدایت یافتیم؟، رادمهر، چاپ ۱۳۸۵ ش.

۲- همان: ۵۹.



ص: ۹۷

می‌نویسد:

شیعیان در معالجه‌ی فرزندان خود، زمانی که از مداوای پزشک و دعای علمای شیعه نتیجه نمی‌گیرند، به سراغ سنی‌ها می‌روند تا دعای آنان برای معالجه اثر کند؛ چون نزد شیعه شایع است:

«شیطان را فقط شیطان بیرون می‌راند.» (یعنی دعا خواندن سنی که مصداق شیطان است، برای معالجه‌ی بیماری که از شیطان سرچشمه گرفته، مفید است.) «(۱)»

دست بر قضا، دعای آن عالم سنی اثر می‌کند و بیمار می‌فهمد که حق با وهابیت است!!

... و بالأخره عجیب‌ترین ترفند در برخی از کتاب‌های توزیع‌شده در مکه و مدینه، استفاده از نام بزرگان شیعه برای فریب خوانندگان فارسی‌زبان است. برای مثال بر روی جلد، در مقابل عنوان نویسنده یا مترجم، نام «جعفر سبحانی» یا «مرتضی عسکری» خودنمایی می‌کند. این دو بزرگوار، از علمای مشهور شیعه در زمان حاضر هستند و به کار بردن چنین نام‌هایی، برای جلب توجه مخاطبان، جز فریب خواننده، هدفی را دنبال نمی‌کند.

آیا کسانی که ادعای هدایت مردم را دارند، می‌توانند به هر وسیله‌ای برای رسیدن به هدف دست دراز کنند: دروغ، فریب، اتهام؟!...

## سخن آخر: درد دلی با مسلمانان

مسلمانان برای آن که بتوانند در جهان امروز تأثیرگذار باشند، باید با یکدیگر متحد گردند و با هم‌پاری، هم‌دلی، پشتکار و به عنایت و توجهات الهی و در ذیل تعالیم نبوی (ص) و ائمه‌ی اطهار:، آدمیان این کره‌ی خاکی را افلاکیانی آسمانی نمایند. در این راه، شناسایی تفرقه افکنان و دشمنان واقعی دین لازم خواهد بود. مؤمنان باید منافقی را که در لباس اسلام مخفی است و عقاید مسموم خویش را در قالب کتاب، نوار و جزوه ترویج می‌کند، شناسایی کنند تا «از یک سوراخ دوبار گزیده نشوند». أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱)» «آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را همانند [کار] کسی پنداشته‌اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می‌کند؟ [نه، این دو] نزد خدا یکسان نیستند، و خدا بیدادگران را هدایت نخواهد کرد.»

### کتاب اهل تسنن در مخالفت با وهابیان

- از جمله کتاب‌هایی که توسط علمای سنی در رد وهابیت و اعتقادات آنان نوشته شده، می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد:
- ۱ و ۲- الأصول الأربعة فی تردید الوهابیة و العقائد الصحیحة فی تردید الوهابیة النجدیة، خواجه محمد حسن جان صاحب سرهندی مجددی.
  - ۳- اظهار العقوق ممن منع التوسل بالنبی والولی الصدوق، شیخ مشرفی مالکی جزائری.
  - ۴- الاقوال المرضیة فی الرد علی الوهابیة، محمد کسم حنفی.
  - ۵- الانتصار للأولیاء الأبرار، شیخ طاهر سنبل حنفی.
  - ۶- الأوراق البغدادیة فی الحوادث النجدیة، شیخ ابراهیم راوی.
  - ۷- البراهین الشاطعه، شیخ سلامه‌ی عزّامی.
  - ۸- البصائر لمنکری التوسل، شیخ حمدالله داجوی.
  - ۹- تجرید سیف الجهاد لمدعی الاجتهاد، شیخ عبدالله بن عبداللطیف شافعی.

ص: ۱۰۰

- ۱۰- تحریض الاغیاء علی الاستغاثه بالانبياء و الأولیاء، شیخ عبداللہ بن ابراہیم میر غینی.
- ۱۱- تہکم المقلدین بمن ادعی تجدید الدین، شیخ محمد پسر عبدالرحمان عفالق حنبلی.
- ۱۲- التوسل بالنبی وبالصالحین، ابو حامد بن مرزوق شامی.
- ۱۳- جلال الحق فی کشف احوال شرار الخلق، شیخ ابراہیم حلمی قادری اسکندری.
- ۱۴- الحقایق الاسلامیہ فی الرد علی المزاعم الوہابیہ بأدلة الكتاب والسنة النبویہ، مالک داوود.
- ۱۵- الحق المبین فی الرد علی الوہابیین، شیخ احمد سعید سرہندی نقشبندی.
- ۱۶- خلاصہ الکلام فی امراء البلد الحرام، سید احمد فرزند زینی دحلان مفتی مکہ.
- ۱۷- الدرر السنیة فی الرد علی الوہابیہ، سید احمد پسر زینی دحلان.
- ۱۸- رد علی محمد بن عبدالوہاب، شیخ الاسلام تونس شیخ اسماعیل تمیمی مالکی.
- ۱۹- الرد علی الوہابیہ، فقیہ حنبلی عبدالمحسن الأشقری.
- ۲۰- الرد علی الوہابیہ، شیخ ابراہیم بن عبدالقادر ریاحی تونس مالکی.
- ۲۱- سعاده الدارين فی الرد علی الفرقین الوہابیہ ومقلده الظاہریہ، شیخ ابراہیم فرزند عثمان سمنودی

ص: ۱۰۱

مصری.

- ۲۲- السیف الباتر لعنق المنکر علی الأکابر، ابو حامد مرزوق.
- ۲۳- سیف الجبار المسلول علی أعداء الأبرار، شاه فضل رسول قادری.
- ۲۴- سیف الهندی فی ابانۀ طریقه الشیخ النجدی، شیخ عبداللہ بن عیسیٰ صنعانی.
- ۲۵- شواهد الحق فی التوسل بسید الخلق، شیخ یوسف بنہانی.
- ۲۶- الصارم الهندی فی عنق النجدی، شیخ عطاء مکی.
- ۲۷- صلح الاخوان فی الرد علی من قال بالشک والکفران، داود بن سلیمان بغدادی.
- ۲۸- الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه، شیخ سلیمان فرزند عبدالوہاب برادر محمد عبدالوہاب.
- ۲۷- الصواعق والرعود تألیف، شیخ عقیف الدین عبداللہ بن داود حنبلی
- ۳۰- ضیاء الصدور لمنکر التوسل بأهل القبور، ظاهر شاه میان ہندی.
- ۳۱- غوث العباد بیان الرشاد، شیخ مصطفیٰ حمامی مصری.
- ۳۲- فتنۃ الوهابیہ، احمد بن زینی دحلان.
- ۳۳- الفجر الصادق، شیخ جمیل صدقی زہاوی.
- ۳۴- فصل الخطاب فی الرد علی محمد بن

ص: ۱۰۲

- عبدالوهاب، شیخ سلیمان بن عبدالوهاب برادر محمّد بن عبدالوهاب.
- ۳۵- فصل الخطاب فی ردّ ضلالت ابن عبدالوهاب، احمد بن علی بصری قبانی.
- ۳۶- مخالفة الوهابیه للقرآن والسنة، عمر عبدالسلام.
- ۳۷- المدارج السنیة فی ردّ الوهابیه، عامر قادری.
- ۳۸- مصباح الامام و جلاء الظلام فی ردّ شبه البدعی النجدی التي اضلّ العوام، سید علوی بن احمد حداد.
- ۳۹- المنحة الوهبیة فی ردّ الوهابیه، شیخ داوود بن سلیمان بغدادی نقشبندیه.
- ۴۰- النقول الشرعیة فی الرد علی الوهابیة، شیخ مصطفی احمد شطی حنبلی.

## درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه  
ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال  
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان  
تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:  
[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور  
کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی  
جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل  
و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق  
روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱  
۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید  
ارزش کار فکری و عقیدتی

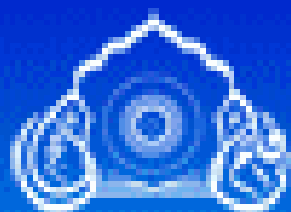
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده  
است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار  
شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،  
هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی  
اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از  
پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال،  
خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی  
همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش  
از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند  
آزاد کردن بنده دارد».



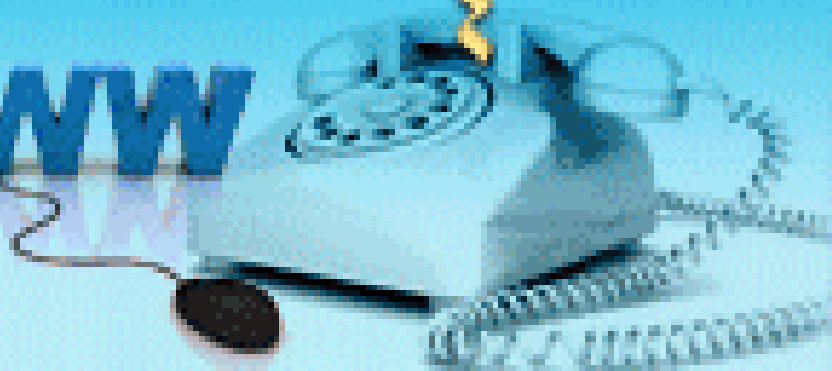


مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

